

تاریخ موسیقی

کینگ پالمر
ترجمه مهدی پورمحمد

موسیقی دوره اولیه (۱۷۵۰-۱۵۵۰)

موسیقی قبل از سال ۱۵۵۰

زمان پیدایش موسیقی نامعلوم است. تصاویری از سازهای اولیه در مصر، چین، بین النهرین^۱ و مناطق دیگر پیدا شده است. همچنین مراجعی درباره موسیقی عهد عتیق^۲ و آثار یونانی وجود دارد. اما بیشتر موارد موسیقایی که امروزه مورد التفات است، تنها به حدود سال‌های ۱۵۵۰ بعد از میلاد برمی‌گردد. قبل از سال هزار قبل از میلاد، موسیقی غربی تقریباً به طور کامل ملودیک بود. در کلیساهای دوره اولیه مسیحیت^۳، سبک سرود کلیسایی به نام پلان‌شان^۴ توسط پاپ گرگوری اول (۶۰۴-۵۴۰ بعد از میلاد) ایجاد گردید که امروزه آنها را به عنوان آواز گرگوری^۵ می‌شناسیم. راهبان^۶ از گام‌های مدال استفاده می‌نمودند. بعدها پولی فونی^۷ (ترکیبی از دو ملودی) مورد استفاده قرار گرفت که در ابتدا به آن ارگانوم^۸ می‌گفتند. ساده‌ترین نوع آن شامل اضافه کردن یک ملودی به اندازه یک چهارم درست^۹ یا پنجم پایین‌تر از ملودی پلان‌شان اصلی بود. در طول قرن دوازده و سیزده، سبکی از کمپوزیسیون به نام کانداکتوس (Conductus) مورد استفاده قرار گرفت که در آن دو یا سه بخش، آزادتر و مستقل‌تر از ارگانوم حرکت می‌کردند.^{۱۰} در اوائل قرن سیزدهم موتت (Motet) معرفی شد که در آن قرن بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفت.^{۱۱} موتت یک قطعه کوچک برای آواز بدون همراهی (معمولاً در سه بخش) است که براساس پایین‌ترین بخش آوازی تنور بوده و در فرم پلان‌شان می‌باشد.

تاریخ موسیقی

اردینری (آوازهای ثابت مس)^{۱۲} معمول بوده است. اما در کل اردینری (معمولی) تا سال ۱۴۳۰ معمول نبوده است.

موسیقی سال‌های ۱۵۵۰ تا ۱۶۰۰

بین سال‌های ۱۵۵۰ تا ۱۶۰۰، آهنگسازان ایتالیایی و انگلیسی موسیقی‌هایی را نوشتند که هرچند براساس گام‌های مدال بود، ولی بافت کنتراپوننتال داشته و شیوه‌های ایمیتاتیو (تقلیدی) فراوانی در آنها به کار می‌رفت. فرم‌های اصلی، موسیقی مذهبی^{۱۳}، مس^{۱۴} و موت بودند. موسیقی غیرمذهبی^{۱۵} نیز رواج داشت. مادریگال^{۱۶} که نوعی منظومه شعری در چند بخش برای موسیقی بود و همتای غیرمذهبی برای موت قلمداد می‌شد، نیز رواج پیدا کرد. سازهای شستی‌دار مانند اسپینت (Spinnet)، ویرجینال، سازهای خانواده ویولن و رکورد، با اندازه‌های مختلف در منازل اشراف یافت می‌شد. فانتزی‌های ایتالیایی (قطعات کنتراپوننتالی که به موزیسین‌ها اجازه می‌داد تا تصورات خود را به طور کامل بیان کنند) برای خانواده ویولا و سویت‌های آوازهای حرکتی با واریاسیون‌هایی برای سازهای شستی‌دار تصنیف می‌شد. در ایتالیا، پالسترینا^{۱۷} (۱۵۲۵-۹۴) بزرگ‌ترین آهنگساز این دوره بود. بیشتر زندگی او در رم گذشت. پالسترینا تعداد زیادی مس و موت ساخت که این آثار حاکی از مهارت بسیار او می‌باشد.

آندرا گابریلی^{۱۸} (۱۵۱۰-۸۴) نوازنده ارگ در ونیز، به عنوان آهنگساز موسیقی کرال و موسیقی ارگ بسیار شهرت یافت. نوه او به نام جیوانی گابریلی^{۱۹} (۱۶۱۲-۱۵۵۵) از ونیز، آهنگساز این دوره، استفاده کامل از سبک کنسرتاتورا که در آن یک گروه از آوازهای سولو باکرهای کامل تقابل دارند به کار بست. او همچنین اینترلودهای صرفاً سازی یا سینفونیا نیز دارد.

از کشور هلند نیز لاسوس^{۲۰} (۱۵۲۳-۹۴) قدیمی‌ترین نماینده مکتب پولی فونیک می‌باشد. او بسیار سفر می‌کرد. در رم و مونیخ نیز مشغول به کار شد و کرال‌های زیادی را از جمله مس، موت و مادریگال نوشت. سوی لینک^{۲۱} (۱۶۲۱-۱۵۶۲) که هارپسیکورد را با مهارت می‌نواخت، برای این ساز چند موسیقی آوازی و سازی نوشت.

در انگلستان، تحت تأثیر اقدامات تودور^{۲۲} موسیقی به عنوان یک هنر بسیار پیشرفت نمود. ملکه الیزابت اول آهنگسازان عصر خود را مورد تشویق قرار می‌داد. او به تالیس^{۲۳} (۱۵۰۵-۸۵) و برد^{۲۴} (۱۶۲۳-۱۵۴۳) که نوازنده ارگ کلیسای سلطنتی (Chapel Royal) شده بودند، تنها امتیاز چاپ قطعات موسیقی را اعطا نمود. تالیس و برد چند قطعه جالب کلیسایی را مانند نام کینز^{۲۵} (۱۵۷۲-۱۶۵۶) و گیبونز^{۲۶} (۱۶۲۵-۱۵۸۳) که نوازندگان ارگ کلیسای سلطنتی بودند نوشتند. از قدیمی‌ترین نویسندگان مادریگال، مورلی^{۲۷} (۱۶۰۲-۱۵۵۷)، بول^{۲۸} (۱۶۲۸-۱۵۶۳)، ویلبای^{۲۹} (۱۶۳۸-۱۵۷۴) و ویلکز^{۳۰} (۱۶۲۳-۱۵۷۶) می‌باشند. فارنابی^{۳۱} (۱۶۴۰-۱۵۶۶) برای سازهای شستی‌دار و دولاند (۱۶۲۶-۱۵۶۳) آوازی با همراهی عود نوشت.

فصلنامه هنر - شماره شصت و شش

موسیقی قرن هفدهم

قرن هفدهم، قرن تجربیات موسیقایی بود و پیشرفت‌های زیاد و بسیار جدیدی در این

دوره صورت گرفت. از بین آنها، می توان به اپرا و اراتوریو، شروع هارمونی، ایجاد دو مد جدید (ماژور و مینور)، جایگزینی تدریجی سازهای خانواده ویولن به جای ویول، هارپسیکورد به جای اسپینت و ویرجینال نام برد.

اولین اپرای حقیقی در سال ۱۵۹۷ در ایتالیا ساخته شد. این اپرا دافنه (Daphne) نام داشت و توسط پری (Peri) (۱۶۳۳-۱۵۶۱) که کشیشی در خدمت خانواده مدسی (Medici) بود ساخته شد. داستان آن بیشتر به صورت ریستتایف با همراهی ادامه دار (Continuo) و ساده گفته شد. همزمان با پیشرفت تدریجی اپرا، آریا (Aria) ارائه شد و به پیروی از رسوم اپرای ایتالیایی، به یک سری آریاهایی که با ریستتایف قطع می شدند منجر شد. اولین آهنگساز بزرگ اپرا مونتوآردی (Monteverdi) (۱۶۴۳-۱۵۶۷) می باشد. اپراهای او مانند ارفئوس^{۳۲} و تاجگذاری پوپه^{۳۳} سرشار از موسیقی است که با هارمونی های بسیار بدیع و رنگ صداهای سازی بسیار دراماتیک و اکسپرسیو (بیانی) می باشد. شاگرد او به نام کاوالی^{۳۴} (۱۶۰۲-۷۶) سنت اپرای استاد خود را ادامه داد.

در اواخر این قرن اسکارلاتی^{۳۵} (۱۷۲۵-۱۶۶۰) که بیش از صد اپرا تصنیف نمود، فرم ایتالیایی اورتور را توسعه داد.^{۳۶} اپرای فرانسه که در ابتدا با باله^{۳۷} بسیار قرابت داشت، پیشرفت نمود. لولی (Lully) (۱۶۳۲-۸۲) در سن یازده سالگی از ایتالیا به فرانسه آمد. او فرم اورتور فرانسوی را بنا نهاد و ریستتایف روان به نام استرومنتا (با همراهی ارکستر) را به جای ریستتایف خشک و بی طراوت به نام سکو (Secco) با همراهی آزاد باس که روی ساز شستی دار اجرا می شد به کار برد.

اوراتورویو ابتدا در قرن شانزدهم در اورتوریو سنت فیلیپ نری (St Philip Neri's oratory) در رم تولید شد. نام اراتوریو نیز از آن گرفته شده است. اراتوری های اولیه، در حقیقت اپراهای مقدس بود و با صحنه سازی، لباس های مناسب اثر و اکشن اجرا می شدند. بعدها، اراتوری ها به اثری غیردراماتیک برای آوازهای سولو، کر و ارکستر برای اجرا در کلیسا یا تالار کنسرت درآمد.

پیشرفت اپرا و اراتوریو باعث رشد سازها و بهبود گستره و کیفیت تنال آنها گردید. در کرمونا (Cremona) که در شمال ایتالیا واقع است، سازندگان بزرگ ویولن از جمله (Amati)، گوارنری (Guarneri) و استرادیواری (Stradivary) سازهای بی همتا و بی رقیبی ساختند. کرلی (-Corelli) (۱۶۵۳-۱۷۱۳) اولین نوازنده بزرگ ویولن، سونات های ویولن را تصنیف کرد و فرم کنسرتو گروسو^{۳۸} را بنا نهاد. این نوع کنسرتو که باید آنها را با کنسرتوهای بعدی که مختص سازهای سولو و ارکستر می باشند فرق نهاد، چندین موومان با پاساژهایی برای یک گروه کوچک سازی (کنسرتینو) یا بدنه اصلی (ری پیانو - اشباع و قوی از لحاظ صدا - یا کنسرتوگروسو) و یا هر دو گروه با هم (توتی) دارد. وی والدی (Rivaldi) (۱۶۵۷-۱۷۴۱) نیز یک آهنگساز ایتالیایی بود که تصورات پرباری داشت. موفق ترین آثارش کنسرتو می باشد (مخصوصاً کنسرتو چهار فصل (The four Season) برای ویولن و ارکستر).

آهنگساز قابل ذکر آلمانی در این دوره شوتس (Schutz) (۱۶۷۲-۱۵۸۵) می باشد. او در آثار اراتوریوی کرسمس و سه قطعه پاسیون (Passions) به توازنی بین سنت پولی فونی

لوتری (Lutteran) و سبک ایتالیایی دست یافت.
پرسل (Purcell) (۱۹۶۵-۹۵) بزرگ‌ترین آهنگساز این دوره در انگلستان می‌باشد. او نوازنده ارگ وست مینستر (Westminster Abbey) و کلیسای سلطنتی Chapel Royal بود. پرسل موسیقی کلیسا، اپرای دیو و آیناس^{۳۹} و روز سنت سیسیلیا^{۴۰} فانتزی‌هایی برای سازهای زهی و چندین قطعه سازی دیگر ساخت.

موسیقی سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۷۵۰

هر چند در این دوره آهنگسازان به نام و مشهور دیگری نیز وجود دارند، اما این دوره را دوره هندل و باخ نامیده‌اند.^{۴۱} هر دو آهنگساز در سال ۱۶۸۵ به دنیا آمدند. در ایتالیا دومینیکو اسکارلاتی (Domenico Scarlatti) (۱۶۸۵-۱۷۵۷) پسر الکساندر اسکارلاتی بزرگ‌ترین آهنگساز هارپسیکورد در عصر خویش بود. او حدود ششصد سونات تک موومان، بیشتر در فرم دوبخشی با دو تم اصلی (Binary form) نوشت. کوپرن (Couperin) (۱۶۶۸-۱۷۳۳) سوئیت‌های هارپسیکورد را ساخت که انگاره‌هایی مهذب و افسونگر بودند. اغلب این سوئیت‌ها عناوین فانتزیک دارند. رومئو (Romeau) (۱۶۸۳-۱۷۶۴) آهنگساز برجسته اپرا و نویسنده رسالاتی بود که تئوری جدید موسیقایی را عرضه می‌کرد. در آلمان، گلوک (Gluck) (۱۷۱۴-۸۷) سبک جدیدی از اپرای ایتالیایی را خلق نمود. در اپرای او به جای مهارت‌های قراردادی، از حقایق دراماتیک و سادگی استفاده شده و نقش ارکستر در آن وسیع‌تر بوده است.

یوهان سباستین باخ (J.S. Bach) (۱۶۸۵-۱۷۵۰) یکی از خانواده‌های بزرگ موسیقایی بود. پسر دوم او به نام کارل فیلیپ امانوئل باخ (C.P.E. Bach) (۱۷۱۴-۸۸) رساله مشهوری به نام رساله‌ای درباره هنر نواختن سازهای شستی دار نوشت که راهنمای بسیار با ارزشی برای نشان دادن شیوه‌های معاصر نوازندگی او می‌باشد.

باخ در شهر کوچکی در آلمان مرکزی به نام آیزناخ (Eisenach) به دنیا آمد. او در عصر خود به عنوان نوازنده ارگ بسیار مشهور بود و کمتر او را به عنوان آهنگساز می‌شناختند. زندگی آرام و کم‌مخاطره‌ای داشت و برخلاف هندل که هم روزگار او بود، کمتر مسافرت می‌کرد. او یک هواخواه مذهب لوتری بود. این علاقه همراه با سبک‌های هم‌عصر موسیقی سازی ایتالیایی و فرانسوی، تأثیراتی بر روی موسیقی‌اش گذاشتند. او موسیقیدان فعالی بود که موسیقی کر و ارگ برای کلیسا، موسیقی سازی برای حامیان خود و موسیقی سازهای شستی دار برای پسرانش نوشت. در موسیقی او، کراال و کنتراپونتال به طرز استادانه و با بیانی پرشور با هم ترکیب شده است.

موسیقی ارگ شامل پرلودهای کراال، توکاتا^{۴۲} و موسیقی فوگ در ر مینور می‌باشد. موسیقی کراال او شامل کانتاتاهای کلیسا است که از مجموعه آن دوست کراال باقی مانده است. این قطعات برای تمامی روزهای یکشنبه در طول یک سال کلیسا تصنیف شد. از جمله آنها می‌توان به مس سی مینور، پاسیون‌های سنت ژان، سنت ماتئو و اراتوریوی کریسمس نام برد.

موسیقی سازی او شش کنسرتو براندن بورگ (Brandenburg) چهار سوئیت

ارکستری (اورتور) است که شامل چندین موومان حرکت، سونات برای تکنوازی ویولن، ویولن سل و کنسرتو سولو است. بعضی از آنها ترانسکریپسیون‌هایی از آثار وی والدی می‌باشد. موسیقی ساز شستی دار باخ شامل ول تمپه ریرته کلاویر (۴۸ پرلود و فوگ در همهٔ مایه‌های ماژور و مینور)، انوانسیون‌های دوبخشی و سه‌بخشی، پارتیتاها (سویت‌ها) و اثر بزرگ کنتراپوننتال به نام هنر فوگ (The Art of Fugue) می‌باشد.

هندل (Handel) (۱۶۸۵-۱۷۵۹) در آلمان به دنیا آمد. در سال ۱۷۱۰ به لندن عزیمت کرد و در آنجا اپرای خود به نام رینالدو را ساخت. او مقیم آنجا شد و تلاش نمود تا اپرای ایتالیایی را در انگلستان بنیان نهد. اما وقتی بخت او برگشت، توجهش به اراتوریو جلب شد. بهترین اثری را که دوست می‌داشت اراتوریوی مسیح بود. این اثر ابتدا در سال ۱۷۴۲ در دوبلین و سپس در لندن اجرا گردید. در لندن هنگام اجرای این اثر، شنوندگان که نمونه‌هایی از جرج دوم (II George) را دنبال می‌کردند به احترام کر هلالویا (Hallelujah) از جا برخاستند.

اپراهای هندل الگوهای سنتی اپرای جدی زمان را دنبال می‌کند (اورتور فرانسه، ریستایف، آریا، دوئت و گروه نوازی‌های^{۳۳} کرال). یکی از خوانندگان تک‌خوان (سولو) زن، بخش‌های مردان را اجرا می‌کرد. برای مثال در ژولیو سزار، دو مرد که عقیم^{۳۴} بودند صداهای سوپرانو و کنترآلتو بزرگسالان با حالت عقیمی همانند صدای قبل از بلوغشان تولید می‌کردند.

در اراتوریوهای او از الگوهای مشابهی استفاده شده است. اما کر به عنوان نیروی دراماتیک به کار گرفته می‌شود. هندل، موسیقی کر، آثار کرال غیر مذهبی، کنسرتو ارگ و کنسرتو گروسه نیز نوشت. موسیقی کرال او شامل موسیقی آب (water music) و موسیقی آتش بازی (Fire works) می‌باشد.

از بین عواملی که در نقصان جرأت (ventures) اپرای هندل دخیل است محصول سال ۱۷۲۸ او به نام اپرای گدایان (Beggars' Opera) می‌باشد. او با یک لیبرتوی لطیفه‌ای هزلی^{۳۵} اثر جان گی (John Gay) (۱۶۸۵-۱۷۳۲) در جهت اصول اپرای ایتالیایی تلاش نمود. شصت و نه آواز بالاد او که توسط دکتر پپاش (Dr. Pepusch) (۱۶۶۷-۱۷۵۲) تنظیم شد، مورد استقبال بسیار زیاد مردم لندن قرار گرفت. این اقدام باعث ایجاد اپرا بالاد (Ballad-Operas) شد که به طور موقت همهٔ فرم‌های دیگر از این نوع تولیدات را تحت الشعاع قرار داد. آهنگسازی آلمانی به نام کورت ویل (Kurt Weill) (۱۹۰۰-۵۰) در سال ۱۹۲۸ با اپرای سه پنی (Phenny Opera) (The Three) بافت جدیدی از اپرا را عرضه کرد که بسیار موفقیت‌آمیز بود.

موسیقی دورهٔ کلاسیک و رمانتیک (۱۷۵۰-۱۹۰۰)

تقسیم نمودن سبک‌های کمپوزیسیون موسیقایی به دوره‌های خاص مناسب به نظر می‌رسد. می‌توان گفت دورهٔ کلاسیک مربوط به سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۸۲۵ و دورهٔ رمانتیک مربوط به سال‌های ۱۸۲۵ تا ۱۹۰۰ است. اگر چه این دوره‌ها به طور تخمینی بیان می‌شود و هم‌پوشانی‌هایی (Overlapping) نیز صورت پذیرفته است. به معانی تحت‌اللفظی اصطلاحات رمانتیک و کلاسیک نباید تکیه نمود. واژهٔ کلاسیک اغلب برای دلالت نمودن بر مفاهیم فرمی و ساختاری به کار می‌رود. واژهٔ رمانتیک بیشتر بر اکسپرسیون‌های (بیان) حسی

دلالت می‌کند. (گاهی اوقات واژه کلاسیک را برای فرق نهادن بین موسیقی جدی^{۴۶} و موسیقی سبک یا عامیانه به کار می‌برند.)

موسیقی دوره کلاسیک (۱۷۵۰-۱۸۲۵)

گاهی این دوره را مکتب وینی^{۴۷} نیز می‌نامند. چرا که آهنگسازان این دوره (مانند هایدن، موتسارت، بتهوون و شوپرت) در وین فعالیت داشتند.

در دوره کلاسیک، موسیقی کنتراپونتال کمی نوشته شد. اما فرم‌های جدید و مهم بسیاری چون سونات، کوارتت زهی، سمفونی مدرن و کنسرتو در آن متجلی شد. اساس ارکستر مدرن با ممتد نمودن (Continue) صدای هارپسیکورد که باعث تناسب (Proportion) متوازن گروه‌های مختلف ارکستر می‌شد نیز در این دوره شکل گرفت. عنصر هم‌پوشانی رمانتیک که در نغمه‌های مصنوعی^{۴۸} (لید)^{۴۹} دیده می‌شد، توسط شوپرت و اپراهای رمانتیک وبر (Weber) توسعه یافت. این آثار کاملاً به رمانتیک‌های اولیه تعلق دارند (هرچند هر دو گروه آهنگساز بیشتر آثارشان را قبل از سال ۱۸۲۵ نوشتند).

هایدن (Hayden) (اتریشی، ۱۷۳۲-۱۸۰۹)

هایدن در کودکی در وین خواننده گروه کر بود. او اولین آهنگسازی است که فرم سونات را پایه‌گذاری نمود و موسیقی‌سازی را به یونیسیون (هم‌صدایی) درآورد. معمولاً سونات‌های پیانو او در سه موومان هستند. اولین آن در فرم سونات می‌باشد. او همچنین فرم کوارتت زهی که در آن اصوات بدون وقفه یکدیگر را کامل می‌کنند بنیان نهاد. هایدن ۸۳ کوارتت زهی و ۱۰۴ سمفونی نوشت. او در آخرین سمفونی‌ها، ارکستر را وسیع‌تر ساخت. بدین ترتیب فلوت‌ها و کلارینت‌ها نیز در آن جای گرفتند. هایدن در موسیقی نظامی، ترانگله (مثلث)، طبل کوچک و سنج را به تیمپانی‌های معمولی اضافه کرد. او همچنین چندین سونات پیانو و دو اثر کرال طولانی به نام فصل‌ها^{۵۰} و آفرینش^{۵۱} را تصنیف نمود.

موتسارت (Mozart) (اتریشی، ۱۷۵۶-۹۱)

موتسارت خردسال نابغه‌ای در نواختن هارپسیکورد بود. او به اروپا بسیار مسافرت کرد. در سن بیست و پنج سالگی، در وین اقامت گزید. موتسارت تمامی فرم‌های موسیقی در عصرخویش را تصنیف نمود. موسیقی، آزادانه از قلم او ریزان می‌شد. هایدن او را بزرگ‌ترین آهنگساز این دوره معرفی کرد. موتسارت چهل و یک سمفونی از جمله سمفونی می بمل ماژور، سل مینور و دو ماژور (ژوپیتر)، چندین کنسرتو برای پیانو و سازهای دیگر، تعداد زیادی موسیقی پیانو و مجلسی، چند اپرا از جمله ازدواج فیگارو (The Marriage of Figaro)، فلوت سحرآمیز (The magic Flute) و چند موسیقی کلیسایی شامل یک رکویم^{۵۲} نوشت.

بتهوون (Beethoven) (آلمانی، ۱۷۷۰-۱۸۲۷)

بتهوون در وین اقامت داشت و در آنجا بسیار مشهور گشت. زندگی کودکی او بسیار سخت بود. او هرگز ازدواج نکرد. از سال ۱۸۱۹ تا مرگش به ناشنوایی کامل دچار شد. موسیقی بتهوون

به سه دوره تقسیم می‌شود: در دوره اول، تأثیر موسیقی هایدن و موتسارت به خوبی احساس می‌شود. در دوره میانه، در مدتی که سونات‌های پیانو آپاسیوناتا^{۵۳} مهتاب^{۵۴} و سمفونی شماره‌های دو تا هشت نوشته می‌شد، فرصت یافت تا موسیقی شخصی خود را پربار سازد. در طول دوره سوم هر چند که کناره‌گیری اختیار نمود و در خود فرو رفت، اما بعضی از بهترین آثارش را ارائه نمود که برای آیندگان باقی گذارد. هر چند هم عصرانش به طور کافی او را نشانختند. کمپوزسیون‌های بتهوون، به آسانی به دست نیامد. او اغلب ایده‌هایی را که در دفتر یادداشت خود می‌نوشت تصحیح می‌نمود. این آهنگساز نه سمفونی از جمله اروپیکا یا قهرمانی^{۵۵} پاستورال یا چوپانی^{۵۶} کرال، پنج کنسرتو پیانو (برای مثال امپراطور^{۵۷}) و یک کنسرتو ویولون نوشت. موسیقی پیانو او شامل سی و دو سونات و بیست و یک سری از واریاسیون‌ها می‌باشد. او شانزده کوئرتت زهی، یک اپرا به نام فیدلیو^{۵۸}، دو قطعه مس و یک ارتوریو به نام مسیح بر تپه زیتون^{۵۹} نوشت.

موسیقی دوره رمانتیک (۱۸۲۵-۱۹۰۰)

این دوره را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود: رمانتیک اولیه (۱۸۲۵-۵۰) و رمانتیک دوره متأخر (۱۸۵۰-۱۹۰۰). اولین بخش شامل آهنگسازان اپرا چون وبر (Weber)، مایربر (Meyerbeer)، روسینی (Rossini)، گلینگا (Glinka)، شوبرت (Schubert)، برلیوز (Berlioz)، مندلسن (Mendelsohn)، شوپن (Chopin) و شومان (Schumann) می‌شود. بخش دوم شامل آهنگسازان ملی‌گرا (nationalist) از جمله دورژاک (Dvorak)، ریمسکی کرساکف (Korsakov-Rimsky)، گرگ (Greig) و چند آهنگساز مشهور مانند لیست (Liszt)، واگنر (Wagner)، وردی (Verdi)، برامس (Brahms) و چایکوفسکی (Tchaikovsky) می‌باشد.

رمانتیک‌های اولیه (۱۸۲۵-۵۰)

وبر (Weber) (آلمانی، ۱۷۸۶-۱۸۲۶)

این آهنگساز چندین بار به عنوان رهبر خانه‌های اپرای آلمان فعالیت نمود. بیشتر سونات‌های پیانو، موسیقی ارکستر، مجلسی و کنسرتوهای او فراموش شدند. اهمیت او در خلق اپرای رمانتیک آلمانی از جمله تیرانداز یا فرایشوتس (Der Freischutz) است که حاوی عناصر ماوراءطبیعی و سحرآمیز است. اپرای دیگر او ابرون (Oberon) نام دارد که اولین بار در کاونت گاردن (Covent Garden) لندن اجرا گردید.

مایربر (Meyerbeer) (آلمانی، ۱۸۶۴-۱۷۹۱)

در اوائل قرن نوزدهم، مایربر به ایتالیا رفت و اپراهایی به سبک ایتالیایی ساخت. بعد از آن به پاریس عزیمت کرد. اپراهای تماشایی و بسیار جالب او (برای مثال روبرت شیطان^{۶۰}، هوگنو^{۶۱} و آفریقایی^{۶۲}) نظر بسیاری را جذب کرد. اگر چه واگنر بر او بسیار انتقاد می‌نمود، اما با این حال از سبک و ارکستراسیون او تحت تأثیر قرار گرفت.

روسینی (Rossini) (ایتالیایی، ۱۷۹۲-۱۸۶۸)

روسینی در زمان خود بزرگ‌ترین آهنگساز ایتالیایی اپرا و استاد ارکستراسیون ملودی

آوازی بود. در بین سی و شش اپرا، اپراهای ویلیام تل (William Tell) و آرایشگر شهر سویل (The Barber of Seville) موفق‌ترین اپرا می‌باشد. او در سن ۳۷ سالگی از ساخت کمپوزیسیون اپرایی دست کشید. اگر چه بعد از آن، ستابات ماتر (Stabat Mater) را نوشت.

شوبرت (Schubert) (اتریشی، ۱۷۹۷-۱۸۲۸)

شوبرت به عنوان رهبر گروه کر^{۶۳} کلیسای سلطنتی در وین و بعد از آن به عنوان رهبر ارکستر کلیسا فعالیت می‌کرد. او آهنگساز پرکاری بود. به نظر می‌رسد ملودی به طور طبیعی در ذهن شوبرت جاری می‌شد. او هیچ موقعیت مهم موسیقایی به دست نیاورد و در سن ۳۱ سالگی بابتنگدستی به بیماری تیفوس درگذشت. آنچه که نقش شوبرت را مهم جلوه می‌دهد، نوشتن بیش از ششصد آواز می‌باشد که در آنها از سبک تقریباً ساده دراماتیک تا سخت‌ترین فرم‌ها دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که فرم و همراهی پیانو از شعر آثارش رشد نمود. آوازهای مجزای او شامل شاه دیو^{۶۴}؛ گوش کنید، گوش کنید، چکاوک می‌خواند^{۶۵} می‌باشد. او همچنین دوره‌های آوازی^{۶۶} دختر آسیاب^{۶۷} و سفر زمستانی^{۶۸} را نوشت. موسیقی ارکستری او شامل نه سمفونی است (برای مثال سمفونی تراژیک، سمفونی ناتمام و سمفونی بزرگ) موسیقی مجلسی او شامل کوارتت زهی، مرگ دختر جوان^{۶۹}، واریاسیون‌هایی روی آواز آهنگساز با همین عنوان و کوایننت ماهی قزل‌آلا (trout) برای سازهای زهی و پیانو می‌باشد. او همچنین آثار کرال و سونات پیانو دارد.

برلیوز (Berlioz) (فرانسوی، ۱۸۰۳-۶۹)

برلیوز پسر یک پزشک فرانسوی بود. پدرش او را برای تحصیل در رشته پزشکی به پاریس فرستاد. او بعدها به کنسرواتوار پاریس رفت و سرانجام با کانتانتای اولیه خود جایزه بزرگ رم (Prix de Rome) را برنده شد. او بدعت‌گذار بزرگ ارکسترال بود و همراه با مایریر، سبک ارکستراسیونی را که امروزه آن را سبک ارکستراسیون مدرن می‌نامیم بنا نمود. برلیوز اغلب آثارش را برای ارکستر بسیار بزرگ می‌نوشت. او رساله ارزشمندی درباره ارکستراسیون انتشار داد. زندگی او فراز و نشیب بسیار داشت. برلیوز با دختری به نام هریت اسمیت سان ازدواج کرد. هریت اسمیت بازیگر ایرلندی بود. او الهام بخش سمفونی فانتستیک برلیوز بود. آنها از هم جدا شدند و آخرین سال‌های برلیوز با سرخوردگی و افسردگی همراه بود. این آهنگساز چند اپرا از جمله ترویانی‌ها (The Trojans)، هارولد در ایتالیا (Harold in Italy) برای ویولا و ارکستر. چندین اورتور (از جمله کارناوال رومی Carnival Roman) چند اثر کرال برای مثال مس رکویم (Requim Mass)، کودکی مسیح^{۷۰} و ته دئوم (Te Deum) و چندین ترانه نوشت.

گلینگا (Glinga) (روسی، ۱۸۰۴-۵۷)

گلینگا اولین آهنگساز اپرایی روسی است که نقش مهمی داشته است. او در ایتالیا به تحصیل اپرا مشغول بود و بعدها برای تحصیل به برلین رفت. گلینگا دو اپرای روسی به نام‌های یک زندگی برای سزار^{۷۱} و روسلان و لودمیلا^{۷۲} تصنیف کرد.

مندلسون (Mendelssohn) (آلمانی، ۱۸۰۹-۴۷)

مندلسون پسر یک خانواده سرمایه‌دار بود. از سنین کودکی پیانیست، رهبر ارکستر و

آهنگساز شد. در شانزده سالگی اکت زهی^{۳۳} و در هفده سالگی اورتور خود به نام رویای یک شب نیمه تابستان^{۳۴} را نوشت. او به انگلستان رفت و انجمن فیلامونیک را رهبری کرد. در اسکاتلند نیز اورتور هبرید (The Hebrides) و سمفونی اسکاتلندی (Scotch Symphony) را نوشت. موسیقی او که ظرافت قابل توجه و مهارت کنتراپونتال او را نشان می‌دهد، شامل پنج سمفونی (از جمله سمفونی ایتالیایی) چهار اورتور برای اجرای کنسرت، دو کنسرتو برای پیانو و یک کنسرتو برای ویولن، چند اراتوریو برای مثال سنت پائولوس (St. Paul) و الیه (Elija)، موسیقی مجلسی، موسیقی ارگ و پیانو و نیز چندین آواز می‌باشد.

شوپن (Chopin) (لهستانی، ۱۸۱۰-۴۹)

شوپن نابغه موسیقایی بود. او سبک جدیدی را در نواختن پیانو و کمپوزیسیون به وجود آورد. شوپن بسیار سفر می‌کرد و تورهای کنسرت را در آلمان و انگلستان برگزار نمود. او همراه با جرج سند از ماژورک دیدن کرد. جرج سند داستان نویس مشهوری بود که به طور بی‌وقفه در سالیان اولی که شوپن بیماری سل گرفت از او مراقبت می‌نمود. عاقبت این آهنگساز در سن جوانی به بیماری سل درگذشت.

تقریباً تمامی موسیقی شوپن برای پیانو است. از جمله چند پرلود، اتود، نکتورن‌ها^{۳۵}، والس، پولنرها^{۳۶} و مازورکاها (مازورکاها کاملاً از موسیقی فولکلور لهستانی تأثیر گرفته است). آثار بزرگ‌تر او شامل بالاد، اسکرتو^{۳۷} سونات‌ها و دو کنسرتو برای پیانو و ارکستر می‌باشد.

شومان (Schumann) (آلمانی، ۱۸۱۰-۵۶)

شومان تحصیل در رشته حقوق را رها کرد و به موسیقی روی آورد. هنگامی که وسیله‌ای را برای بهبود و پیشرفت انگشتان خویش اختراع می‌کرد، دستش دچار آسیب شد. به همین دلیل، دیگر نتوانست به عنوان نوازنده پیانو فعالیت کند. از این رو به آهنگسازی روی آورد. او با کلارا ویک (Clara Weick) ازدواج کرد. کلارا پیانیست مشهوری بود و بسیاری از آثار او را اجرا می‌نمود. در سالیان آخر زندگی با بی‌ثباتی روحی مواجه شد و سرانجام در یک دارالمساکین درگذشت.

موفق‌ترین بخش کارهای شومان مربوط به نوشتن قطعات پیانو بود. او در این آثار تنوع ریتمی را با گرمی (Warmth) و غنا (richness) ترکیب نمود. آثار ارکستری او گاهی تأثیرگذار نیست و فاقد حس رنگ آمیزی می‌باشد. شومان چهار سمفونی و کنسرتو برای پیانو و سلو نوشت. آثار اصلی پیانوی او شامل سه سونات و چندین دسته از قطعات عنوان‌دار می‌باشد. از جمله آنها می‌توان به کارناوال، چشم‌انداز کودکی^{۳۸}، چشم‌اندازهای جنگل^{۳۹}، آلبوم برای نونهالان^{۴۰} و برگگی از آلبوم^{۴۱} می‌باشد. او همچنین موسیقی مجلسی و تعداد بسیار زیادی آواز و قطعات آوازی نوشت.

موسیقی دوره رمانتیک متأخر (۱۸۵۰-۱۹۰۰)

لیست (Liszt) (مجاری، ۱۸۱۱-۸۶)

لیست درس‌های پیانو را از پدرش فرا گرفت و پیانیست برجسته کنسرت شد. او استاد بزرگی بود و آهنگسازان دیگر از جمله واگنر (که با کوزیا دختر لیست ازدواج کرد) را تشویق

می‌نمود. لیست در سال ۱۸۸۱ به بعد در رم زندگی کرد و یک کشیش شد. موسیقی پیانوی لیست، که بعضی از آنها بسیار مشکل می‌باشند شامل تمرین‌های کنسرت^{۸۷}، دوازده تمرین برتر^{۸۸}، بیست‌راپسودی هانگروز یا مجار، چندین آوانگاری (Transcription) برای پیانوی آثار ارکستری، آوازها و غیره می‌باشد. موسیقی ارکستری او شامل سمفونی فاوست (Faust)، سمفونی دانته، دو کنسرتو پیانو و دوازده پوئم سمفونیک می‌باشد. لیست این عناوین را برای قطعات ارکستری خود که یک موومان دارند با فرمی انعطاف‌پذیرتر از سونات به کار برد. او فرم پوئم سمفونیک را به بخش‌های مختلف تقسیم نمود و موسیقی برنامه‌ای (music Programme) را براساس ایده‌های ادبی یا تصویری فراهم آورد.^{۸۹} او همچنین موسیقی کرال از جمله اراتوریوی کریستوس (Christus) را نوشت.

واگنر (Wagner) (آلمانی، ۱۸۱۳-۸۳)

واگنر از سنین کودکی به دراما و اپرا علاقه نشان داد. موسیقی او به طور کامل به اپراها مربوط می‌شود و در این آثار، آخرین اکسپرسیون‌های رمانتیسم قرن نوزده را ارائه می‌دهد. واگنر اصطلاحات گلوگ را با نوشتن لیبرتو خود، ترکیب نمودن عناصر ادبی، موسیقایی و دیداری (Visual) در تشکل (unity) دراما - موسیقی و استفاده از یک تم یا جمله که حالت، فکر یا عمل را با موسیقی به نمایش می‌گذارد^{۹۰}، به مرحله پیشرفت رساند. اپراهای او شامل ری‌ین زی^{۹۱}، هلندی‌پرنده^{۹۲}، تان هویزر^{۹۳}، لوهنگرین^{۹۴}، حلقه^{۹۵} (شامل چهار اپرای طلای راین^{۹۶}، والکوره^{۹۷}، زیگفرد^{۹۸} و غروب رب‌النوع‌ها^{۹۹})، تریستان و ایزولد^{۱۰۰}، استاد خوانندگان نورنبرگ^{۱۰۱} و پارسیفال^{۱۰۲} می‌باشد. بیشتر ارکسترهای او محصول بزرگی بود و اجرای آنها به ارکستر بزرگی نیاز است.

وردی (Verdi) (ایتالیایی، ۱۸۱۳-۱۹۰۱)

وردی اساساً آهنگساز اپرایی بود. ولی یک رکویم عامیانه نیز نوشت. او در اپراهای خود، سنت‌های ویرتیوز و آوازی ایتالیایی و اجرای ملودی خوش‌آهنگ (tuneful Melody) را حفظ کرد. اما مفهوم اصلی دراماتیک را در آنها تقویت کرد. اولین اپراهای سنتی او (ریگولتو^{۱۰۳}، تریواتورو خواننده دوره‌گرد^{۱۰۴}) با آثار بزرگ‌تری چون آیدا (Aida)، اتللو (Otello) و فالستاف (Falstaff) دنبال شد. او دو اپرای آخر را در سن هفتاد سالگی ساخت.

آفن‌باخ (Offenbach) (آلمانی، ۱۸۱۹-۹۰)

آفن‌باخ در نوجوانی به پاریس عزیمت کرد و در آنجا نوازنده ویولن سل شد. او اپراهای بزرگی چون داستان‌های هاف من^{۱۰۵} و چندین اپرت از جمله هلن زیبا^{۱۰۶} و ارفه در جهان زیرین-^{۱۰۷} تصنیف نمود.

فرانک (Franck) (بلژیکی، ۱۸۲۲-۹۰)

فرانک در پاریس اقامت گزید. ابتدا ارگان‌نست و معلم بود. سپس در کار آهنگسازی خود، یک سمفونی، واریاسیون‌های سمفونیک برای پیانو و ارکستر، پوئم سمفونیک، پیانو، موسیقی ارگ مجلسی، اراتوریوی برکات^{۱۰۸} ساخت.

اسمتانا (چکسلواکی، ۱۸۲۴-۸۴)

اسمتانا اولین آهنگساز چکسلواکی است که دارای اهمیت می‌باشد. او چندین اپرا روی

موضوعات ملی نوشت. (از جمله نامزد فروخته شده Bartered Bride) و همچنین او چند پوئم سمفونیک نوشت که مردمی ترین آن یک سری شش تایی از دورنماهای موسیقایی به نام کشور من (Ma Vlast) می باشد.

بروکنر (Bruckner) (اتریشی، ۹۶-۱۸۲۴)

بروکنر رهبر گروه کر بود. بعدها به عنوان نوازنده ارگ صومعه آگوستینیان در سنت فلورین (St. Florian) درآمد. اما برای تحصیل تئوری موسیقی به وین رفت. در آنجا نوازنده ارگ کلیسای جامع^{۱۴} (اسقفی) لینز (Linz) شد. او در طول بازدید از مونیخ بسیار تحت تأثیر اپرای ترستان و ایزولد واگنر قرار گرفت. اگر چه او هیچ اپرایی ننوشت. اما نه سمفونی او (که یکی از آنها ناتمام است) تحت تأثیر واگنر می باشد (او کوارتت توبای واگنر را در سه سمفونی خود به کار برد). بروکنر به دوستان خوش نیت خود اجازه می داد که سمفونی های او را قطع (cut) کنند و ارکستراسیون او را آلتزه نمایند. بدین دلیل گاهی اوقات ساختار آثارش صدمه می دید. او چندین مس و آثار کر و نیز چند موسیقی ارگ، پیانو و مجلسی نیز تصنیف کرد.

یوهان اشتراوس (Johann Strauss) (آلمانی، ۹۹-۱۸۲۵)

یوهان اشتراوس پسر در وین متولد شد. او تورهای زیادی با ارکستر خود انجام داد. اشتراوس را سلطان والس می نامیدند. او دانوب آبی^{۱۵}، تعداد زیادی والس، چند پولکا^{۱۶}، چندین گالوپ^{۱۷} و نیز اپرت های موفقی مانند شب پره باخفاش^{۱۸} و بارون کولی^{۱۹} نوشت.

برودین (Borodin) (روسی، ۸۷-۱۸۳۳)

برودین علاوه بر کار آهنگسازی، شیمی دان هم بود. آثار کم او بسیار غنی است و ملودی گسترده ای دارد. از آثار او اپرای پرنس ایگور (Prince Igore) که توسط ریمسکی کرساکف و گلازوف (۱۹۳۶-۱۸۶۵) کامل شد، سه سمفونی و یک پوئم ارکستر سمفونیک به نام دراستپ های آسیای مرکزی^{۲۰} می باشد.

برامس (Brahms) (آلمانی، ۹۷-۱۸۳۳)

برامس در وین اقامت گزید و در آنجا چندین پست موسیقایی گرفت. موسیقی او هم موسیقی کلاسیک و هم رمانتیک را در برمی گیرد. بعضی از آثار او تحت تأثیر کولی های (Gypsy) مجاری و آوازهای فولکلوریک آلمانی است. او چهار سمفونی دو کنسرتو برای پیانو و یک کنسرتو برای ویولن، دو اورتور کنسرت، واریاسیون هایی روی تم هایدن برای ارکستر، آثار کرال از جمله رکوییم آلمانی، حدود ۲۳۰ ترانه و تعداد زیادی موسیقی پیانو و موسیقی مجلسی نوشت.

بیزه (Bizet) (فرانسوی، ۷۵-۱۸۳۸)

بیزه در سن هفده سالگی سمفونی DO ماژور را نوشت. کمی بعد از او خواسته شد تا برای اثر دوده (Doudet) به نام آرزین (L'Arlesienne) یک موسیقی همراه^{۲۱} بسازد. او چند اپرا شامل اپرای مردمی کارمن (Carmen)، اپرای کارمن در چهار بخش نوشته شده است، موسیقی آوازی و موسیقی پیانو (برای مثال بازی کودکان (Jeux d'enfants)) را نوشت.

موسورگسکی (Mussorgsky) (روسی، ۸۱-۱۸۳۹)

موسورگسکی به کارهای نظامی علاقه داشت. اما بعدها به تحصیل موسیقی روی آورد. از ۱۶۳

بهترین آثار او می‌توان اپرای بوریس گودونوف^{۱۱۳}، سولو پیانوی تابلوهای یک نمایشگاه^{۱۱۴} که بعداً توسط راول به صورت ارکستر درآمد، و پوئم سمفونی ارکستر شبی بر روی کوه سنگی^{۱۱۴} نام برد. او همچنین چندین آواز نوشت که از آوازهای فولکلوریک روسی الهام گرفته بود.

چایکوفسکی (Tchaikovsky) (روسی، ۱۸۴۰-۹۳)

چایکوفسکی آهنگسازی را در چهارده سالگی شروع نمود. او اولین آهنگساز روسی بود که شناخت جهان خارج از روسیه برای او فراهم آمد. چایکوفسکی تورهای بین‌المللی برگزار می‌کرد و به آمریکا و لندن نیز مسافرت کرد. موسیقی او غنی بوده، دارای ملودی‌های زنده‌ای بود. ارکستراسیون او پررنگ و درخشان است. از جمله آهنگسازی‌های او می‌توان به شش سمفونی، کنسرتو پیانو، اپرای اوژن اونگین^{۱۱۵} و ملکه گوزن‌ها^{۱۱۶}، چند باله (از جمله دریاچه قو^{۱۱۷}، زیبای خفته^{۱۱۸}، فندق شکن^{۱۱۹}) فانتزیا، اورتور رومئو و ژولیت، سرنا در دو برای ارکستر سازهای زهی، موسیقی آوازی، پیانو و مجلسی اشاره کرد.

دورژاک (Dvorak) (چکوسلوواکی، ۱۸۴۱-۱۹۰۴)

دورژاک ابتدا نوازنده ویولن بود، اما با تشویقات برامس توان آن را پیدا کرد که تماماً وقت خود را بر روی آهنگسازی موقوف بدارد. او از آلمان، انگلستان و آمریکا دیدن کرد. دورژاک نه سمفونی نوشت که از بین آنها از دنیای جدید (Form the New World) او مردمی‌تر می‌باشد. از جمله آثار ارکستری او می‌توان به واریاسیون‌های سمفونیک، اورتور کارنیوال و کنسرتو برای ویولن و ویولن سل اشاره نمود. همچنین او چندین موسیقی مجلسی جذاب و آثار کرال (استابات ماتر^{۱۲۰}، مس رکویم و عروس خیالی^{۱۲۱}) نوشت.

سولیوان (Sullivan) (انگلیسی، ۱۸۴۲-۱۹۰۰)

سولیوان در سال ۱۸۵۴ به کلیسای سلطنتی وارد شد. او موفق به دریافت بورسیه تحصیلی شد تا در کنسرواتوار لایپزیک تحصیل نماید. بعد از آن به عنوان نوازنده ارگ در کلیسای سنت مایکل درآمد. اگر چه او موسیقی جدی زیادی تصنیف نموده است، اما شهرت او به خاطر اپراهای ساوی (Savoy) (با همکاری گیلبرت نویسنده لیبرتو) می‌باشد. از جمله اپراهای او دزدان دریایی پنزانس^{۱۲۲}، میکادو^{۱۲۳}، افسر گارد ساحلی^{۱۲۴} و ایولانته^{۱۲۵} می‌باشد.

گریگ (Grieg) (نروژی، ۱۸۴۳-۱۹۰۷)

گریگ از سن نه سالگی آهنگسازی را آغاز کرد. بعد از تحصیل در لایپزیک و کپنهاگ، به مکتب ملی گرای در موسیقی علاقه مند شد. او در آهنگسازی‌های خود از ریتم‌های سنتی نروژی بسیار استفاده می‌نمود. موفقیت او بیشتر به خاطر فرم‌های کوچک‌تر موسیقایی است. اگر چه کنسرتو پیانوی او نیز جزء یکی از مردمی‌ترین آثار او به شمار می‌آید. او برای نمایش پیرگینت (Peer Gent)، ایبسن (Ibsen)، موسیقی همراه (Incidental Music) نوشت. علاوه بر آن گریگ سویت هولبرگ (Hulberge Suite) برای ساز زهی، موسیقی پیانو مشتمل برده کتاب قطعات لیریک، چندین آواز و چند موسیقی مجلسی نوشت.

ریمسکی کرساکف (Rimsky-Korsakov) (روسی، ۱۸۲۴-۱۹۰۸)

ریمسکی کرساکف قبل از آن که به موسیقی روی آورد، افسر نیروی دریایی بود. او به آهنگسازان زیادی از جمله استراوینسکی تعلیم داد. همچنین رساله‌ای درباره ارکستراسیون

نوشت. این رساله کاملاً بیانگر آثار خود او می‌باشد. ریمسکی چندین اپرا نوشت که موفق‌ترین آن خروسک طلائی^{۱۶۶} است. او سه سمفونی چندین ترانه و یک سویت سمفونیک به نام شهرزاد^{۱۶۷} دارد.

موسیقی مدرن (۱۹۰۰ -)

بعضی از آهنگسازان اواخر قرن نوزده و اوائل قرن بیستم، سنت رمانتیک را توسعه دادند که از جمله آنها الگار (Elgar)، مالر (Mahler)، ریشارد اشتراوس (Richard Strauss) و سیبلیوس (Sibelius) می‌باشند. آهنگسازان امپرسیونیست مانند دبوسی (Debussy)، دلیوس (Delius) و راول (Ravel) تحت تأثیر مفاهیم مبهم (vague) و انتزاعی (Abstract) بودند. کار این آهنگسازان به آثار نقاشان امپرسیونیستی که در رنگ‌ها تأثیر نور روی اجسام را دوباره به وجود می‌آوردند تا اینکه خود اشیاء را در سطوح و خط‌های معین به وجود آورند بسیار شبیه بود. اغلب موسیقی دبوسی و دلیوس کاملاً احساسی است و صدای ارکستراسیون راول بسیار دلکش است.

گروه‌های جدید دیگری مانند نئوکلاسیک‌ها (Neo-Classicalists) از جمله استراوینسکی، هیندمیت و پولانک برخوردارند. این گروه بیشتر برای گروه‌های کوچک‌تر آثاری می‌نوشتند تا برای گروه‌های بزرگ. این آهنگسازان از تکنیک‌های کلاسیک مانند کنسرتو گروسو دوره باخ استفاده می‌کردند.

آهنگسازان قرن بیستم، سیستم‌های جدید تنالیت (Tonality) و حل تنالیت (Dissolution) را ابداع نمودند. استراوینسکی (برای مثال در پرستش بهار ۱۹۱۳) بارتوک و دیگران، پلی تنالیت (Polytonality)، استفاده همزمان از دو یا چند مایه مختلف را به کار برد. آتونالیت (Atonality)، یعنی نبود کامل تنالیت و مایه، توسط شوئنبرگ در آثاری که بعد از سال ۱۹۱۷ تصنیف کرد و نیز توسط شاگردان برجسته‌اش، برگ (Berg) و ورن (Webern) توسعه یافت. گاهی اوقات به این گروه از آهنگسازان اتریشی مکتب دوم یا جدید وین^{۱۶۸} می‌گویند.

شوئنبرگ یک ضد رمانتیک بود و دوده کافونیک (دوازده صدایی)^{۱۶۹} را به کار برد. این سیستم از دوازده نت گام کروماتیک شکل گرفته است و با گام‌های دیاتونیک و کلاسیک ارتباطی ندارد. زیرا در سیستم شوئنبرگ، دوازده نت ردیفی (row) در یک سری یا به دنبال هم (series) به کار گرفته شدند. از این رو شوئنبرگ را خالق موسیقی سریالی^{۱۷۰} می‌نامند. اگر چه هیچ یک از دونت شبیه هم نیستند، اما درجات گامی مانند تونیک و نمایان در آن وجود ندارد. توالی نت‌ها همیشه ترتیب یکسانی دارند. اما از آنجا که ردیف نتی را می‌توان به طرف عقب (حرکت معکوس و تنزلی)^{۱۷۱} و معکوس به کار برد هر یک از این تنوع‌ها را می‌توان بر روی هر یک از دوازده نیم پرده انتقال داد. بنابراین واریاسیون‌های زیادی امکان پذیر می‌باشد. همچنین شوئنبرگ دکلماسیون نیمه آواز یا نیمه صحبت^{۱۷۲} را که خود آن را سخن - آواز^{۱۷۳} نامید ابداع کرد. او به جای ارکستر سمفونی متشابه، از سازهای کمتری استفاده کرد که اغلب بافت‌های متباین^{۱۷۴} و غیر مرتبطی داشتند. اگر چه او در اواخر عمر انعطاف پذیرتر شد.

از ریتم، بافت و اکسپرسیون را ارائه داد. او اغلب روی آثار بسیار کوچک تمرکز می نمود. تکنیک های آهنگسازی سریالی (که اغلب باتکنیک های جدید دیگر ترکیب می شد) توسط آهنگسازانی مانند بولز، اشتوکهاوزن و بریو مورد استفاده قرار گرفت.

در قرن بیستم چندین آهنگساز از وسایل الکترونیک استفاده نمودند. موریس مارتنت در سال ۱۹۲۲ یکی از اولین سازهای الکتریکی را اختراع کرد. این ساز اندیس مارتنت (Martenot Ondes) نام دارد.^{۱۳۵} این ساز زیر و بمی نامعین دارد. رنگ صدای^{۱۳۶} این ساز متنوع است. در این ساز صرفاً ملودیک، از میکروتون ها^{۱۳۷} (فواصل کوچک تر از نیم پرده) استفاده می شود. فواصل میکروتون را نمی توان روی سازهایی مانند پیانو اجرا نمود. آهنگسازانی چون مسیان، هانگر، وارس و آهنگسازان موسیقی فیلم از این ساز استفاده کردند. پیر شافر (Pierre Schaeffer) سیستم اولیه صدای سازماندهی شده (Organised sound) دیگری را در سال ۱۹۸۴ در پاریس ارائه نمود که Musique concrte (فرانسوی، موسیقی ذاتی) نام داشت. صداهایی که از منابع مختلف ضبط می شد (مثل ضربه ها، سر و صدای روزانه) را می توان با هم ترکیب نمود یا تغییر داده و یا تحریف کرد و سپس آنها را درون ساختار زمانی مطابقت داد. صدای از پیش ضبط شده^{۱۳۸} با اجراهای زنده^{۱۳۹} ترکیب می شد و سنتی سائزرها (ترکیب کننده ها)^{۱۴۰} و کامپیوترها در انواع مختلف برای آماده سازی، تولید و تغییر^{۱۴۱} صداها استفاده می گردید. از آهنگسازانی که از وسایل الکترونیک استفاده نمودند می توان به بولز، بریو، اشتوکهاوزن، پندرسکی و وارز نام برد.

در این مقاله فقط می توان به جزییاتی درباره آهنگسازان مهم این دوره اشاره نمود.

سن - سان (Saint-Saen) (فرانسوی، ۱۸۳۵-۱۹۲۱)

سن - سان در مادلن پاریس ارگ می نواخت و موسیقی او که ابتدا تحت تأثیر لیست بود شامل اپرای سامسون و دلیده^{۱۴۲} سمفونی ها، کنسرتو برای پیانو، پوئم سمفونیک (برای مثال رقص مردگان^{۱۴۳}) فانتزی مربوط به جانورشناسی (Zoological)، به نام کارنیوال حیوانات برای دو پیانو و ارکستر مجلسی، موسیقی کرال، مجلسی، ارگ و پیانو می باشد.

بالاکریف (Balakriev) (روسی، ۱۸۳۷-۱۹۱۰)

بالاکریف رهبر گروه آهنگسازان روسی به نام The five یا مشت قدرتمند (Mighty Handful) بود. بوردین، موسورسکی، ریمسکی کرساکف و کویی (Cui)، (۱۸۳۵-۱۹۱۸) در این گروه بودند. او مدرسه آزاد موسیقی را در سنت پیترزبورگ بنیان نهاد. آثار او شامل دو سمفونی، اورتور کینگ لیر یا شاه شیر (King Lear)، پوئم (منظومه) سمفونیک، ترانه ها و قطعات پیانو می باشد.

فوره (Faure) (فرانسوی، ۱۸۴۵-۱۹۲۴)

فوره در مادلن پاریس ارگ می نواخت. بعدها به عنوان رهبر کنسرواتوار پاریس مشغول به کار شد. سبک او اساساً فرانسوی است. موسیقی او شامل رکویم کرال مردمی، پوان^{۱۴۴} برای ارکستر، موسیقی همراه برای شایلوک (Schylock)، موسیقی مجلسی، موسیقی پیانو و ترانه ها می باشد.

الگار (Elgar) (انگلیسی ۱۸۵۷-۱۹۳۴)

الگار مقام های کوچکی مانند نوازنده ارگ و رهبر گروه داشت. بعد از آنکه نتوانست در

لندن زندگی را بگذراند به مالورن (Malvern) رفت و در همانجا اقامت گزید. شهرت او به عنوان یک آهنگساز، به خاطر واریاسیون‌های انیگما یا معما^{۱۳۵} برای ارکستر و اراتوریوی او به نام رویای گرونیتیوس^{۱۳۴} می‌باشد. آثار دیگر او دو سمفونی، کنسرتوهای برای ویولن و ویولن سل، مقدمه والگرو، سرناو برای سازهای زهی اورتور کنسرت کوکانی (cockaigne) و مارش‌های جلال و تشریفات (The pompand circumstance) می‌باشد.

پوچینی (Puccini) (ایتالیایی، ۱۸۵۸-۱۹۲۴)

پوچینی در کنسرواتوار میلان به تحصیل موسیقی پرداخت. چندین اپرای او بسیار مشهور شده‌بودند. او در مقوله ملودی، رنگ‌آمیزی ارکستر و ایجاد تأثیر دراماتیک استعداد ذاتی داشت. اپرای پوچینی شامل توسکا^{۱۳۷}، بوهم^{۱۳۸}، خانم پروانه یا باترفلای^{۱۳۹} و تراندوخت^{۱۴۰} که توسط آلفانو کامل شد می‌باشد.

مالر (Mahler) (اتریشی، ۱۸۶۰-۱۹۱۱)

مالر در بوهم متولد شد و مقام‌های مهمی در اروپا و آمریکا به دست آورد. موسیقی مالر، رابطی بین سبک رمانتیک - کلاسیک و موسیقی مکتب جدید وینی می‌باشد. چندین سمفونی ده‌شماره‌ای و ترانه زمین^{۱۴۱} او، بخش‌هایی برای آوازهای سولو و کر دارند. استفاده او از صدا (voice) و ارکستر بسیار شخصی است. از ترانه‌های او، ترانه مرگ کودکان^{۱۴۲} برای آواز ارکستری می‌باشد.

دبوسی (Debussy) (فرانسوی، ۱۸۶۲-۱۹۱۸)

دبوسی یکی از مؤثرترین آهنگسازان قرن بیستم می‌باشد. در موسیقی امپرسیونیستی او، چندین مورد جدید از جمله استفاده از تمام پرده گام و جابه‌جایی هارمونی‌های گام کروماتیک به کار برده شده است. آثار اصلی او اپرای پلئاس و میلزاند^{۱۴۳}، دریا^{۱۴۴}، پرلود بعد از ظهر یک دیو^{۱۴۵}، ارکستر و چندین قطعه امپرسیونیستی پیانو مثل پرلودها، مجموعه کنج کودکان^{۱۴۶} و سویت بر گاماسک^{۱۴۷} می‌باشد.

دلیوس (Delius) (انگلیسی، ۱۸۶۲-۱۹۳۴)

دلیوس اصلیتی آلمانی دارد. سر توماس بی‌چم (Sir Thomas Beecham) رهبر انگلیسی (۱۸۷۹-۱۹۶۱) موسیقی دلیوس را به انگلستان معرفی نمود. آثار اولیه او تحت تأثیر گریک می‌باشد. اما در آثار بعدی سبک بسیار شخصی ملودیک و هارمونیک را به شنونده ارائه می‌داد. بیشتر آثار او نوعی زیبایی رنجشی^{۱۴۸} را به تصویر می‌کشاند. آثار او شامل یک رومئو و ژولیت روستایی^{۱۴۹}، مس زندگی^{۱۵۰}، کنسرتو برای ویولن و ویولن سل، شب تابستانی بر روی رودخانه^{۱۵۱}، بازار مکاره بریگ^{۱۵۲}، شنیدن صدای اولین فاخته در بهار^{۱۵۳} می‌باشد. او در اواخر زندگی کور و فلج گردید. از این رو آهنگسازی‌های او با کمک اریک فنی (متولد ۱۹۰۶) نوشته می‌شد.

ریشارد اشتراوس (Richard Strauss) (آلمانی، ۱۸۶۴-۱۹۴۸)

ریشارد اشتراوس، پسر یک نوازنده هورن بود. او رهبر اپرا و ارکستر موفقی شد. اشتراوس آهنگسازی بود که آثار بسیاری داشت. این هنرمند آهنگسازی را از دوره نوجوانی آغاز کرد و تا سن هفتاد سالگی ادامه داد. هفده اپرای او شامل سالومه (Salome) جدلی، شوالیه

گل سرخ ملایم^{۱۶۴} است. او چندین پوئم (منظومه) سمفونیک (که خود آنها را پوئم تن Poems Tone نامید) مثل دون ژوان (Don Juan)، مرگ و عید تجلی مسیح^{۱۶۵}، تیل اوپلن اشپیگل^{۱۶۶} (نام شخصیتی مانند ملانصرالدین در آلمان) نوشت. ریشارد همچنین کنسرتوهای برای هورن، ابوا، کلارینت و باسون و چند ترانه نوشت.

سیبلیوس (Sibelius) (فنلاندی، ۱۸۶۵-۱۹۵۷)

سیبلیوس در برلین و وین به تحصیل موسیقی پرداخت و سپس به فنلاند برگشت. در سال ۱۸۹۷ به او اعانه تشویقی مخصوص هنرمندان داده شد تا قادر باشد وقت خود را صرف آهنگسازی نماید. مهم ترین آثار سیبلیوس هفت سمفونی و کنسرتو ویولن می باشد. او همچنین پوئم (منظومه) سمفونیک ساخت. این پوئم براساس افسانه های فنلاندی است. از جمله قوی تونلا^{۱۶۷} و فینلاندا^{۱۶۸}.

ساتی (Satie) (فرانسوی و مادرش اسکاتلندی، ۱۸۶۶-۱۹۲۵)

ساتی مدتی نوازنده پیانوی یک کافه بود. بعضی از تکنیک های ساتی ممکن است بر بهترین دوستش دبوسی که دو ژیمنوپدی (Gymnopedies) ساتی را به صورت ارکستر درآورد، تحت تأثیر قرار داده باشد. این قطعه اصولاً برای سولوی پیانو نوشته شده است. موسیقی ساتی غالباً فکاهی (humorous) و هجوی با عنوان های غیر معمول مثل دوئت پیانو به نام سه قطعه به شکل گلابی می باشد. و علاوه بر موسیقی پیانو، چندین باله، ترانه و آثار بزرگ تری مانند درامای سمفونیک سقراط را نوشت.

وگان ویلیام (Vaughan Williams) (انگلیسی، ۱۸۷۲-۱۹۵۸)

وگان ویلیام موسیقی را در کالج سلطنتی موسیقی و در پاریس نزد راول فرا گرفت. او استاد آهنگسازی در RCM^{۱۶۹} و رهبر کر باخ شد. همچنین جمع آوری کننده فعال آوازهای فولکلور انگلیسی بود. وگان ویلیام نه سمفونی نوشت. از جمله آنها سمفونی لندن، پاستورال، چند کنسرتو، چند اپرا مانند سر جان عاشق^{۱۷۰}، هوگ چوپان^{۱۷۱} و نیز آثار کرال مانند سرنا د برای موسیقی، آوازاها و موسیقی فیلم می باشد.

راخمانینوف (Rachmaninov) (روسی، ۱۸۷۳-۱۹۴۳)

راخمانینوف در سنت پیترزبورگ و کنسرواتوار مسکو تحصیل کرد. او از آلمان و آمریکا دیدن کرد و سرانجام در آمریکا ساکن شد. از این آهنگساز سه سمفونی، چهار کنسرتو پیانو (که شماره ۲ آن بسیار مشهور است)، راپسودی روی تم پاگانی نی (Paganini) برای پیانو و ارکستر و نیز سه اپرا و موسیقی مجلسی که شامل مجموعه های پرلود می باشد، برجای مانده است.

هالست (Halst) (انگلیسی اصلیت سوئدی، ۱۸۷۴-۱۹۳۴)

هالست در ارکسترهای مختلفی برنامه اجرا نمود. همچنین در کالج ها و مدارس لندن تدریس می کرد. او نیز شبیه وگان ویلیام، به موسیقی فولکلوریک انگلیسی علاقه زیادی داشت. هالست چندین اپرا از جمله احمق تمام عیار^{۱۷۲}، موسیقی ارکستر مثل سیاره ها^{۱۷۳} و سویت سنت پاول و آثار کرال مانند سرود عیسی^{۱۷۴} را نوشت.

شوئنبرگ (بهودی اتریشی، ۱۸۷۴-۱۹۵۱)

شوئنبرگ موسیقی را خود فرا گرفت. آثار او یکی از برجسته ترین موسیقی های قرن

بیستم است. او موسیقی را به سبک رماتیک متأخر آغاز کرد. اما چندی نگذشت که نتالیه را رها کرد و از تکنیک سریالی خود استفاده نمود. پس از چندی به اصول سنتی تر برگشت. بعد از آن که در سال ۱۹۳۳، نازی‌ها موسیقی او را به عنوان موسیقی فاسد محکوم کردند، به آمریکا رفت و در آنجا ساکن شد.

موسیقی شوئنبرگ شامل یک اپرای ناتمام به نام موسی [ع] و هارون (Moses and Aaron)، لونیرخنیاگر (Pierrot Lunaire) برای سخن آواز (Sprech song) و پنج ساز، یک کنسرتو ویولن و چندین موسیقی ارکستری و مجلسی می باشد. برگ و وبرن دو شاگرد برجسته او می باشند. راول (Ravel) (فرانسوی، ۱۸۷۵-۱۹۳۷)

راول شاگرد فوره (Faure) بود. سبک امپرسیونیست او کاملاً مشخص است. ارکستراسیون او با استادی انجام می شده است. از آثار راول می توان به اپراهای ساعت اسپانیایی^{۷۵}، کودک و افسونگری^{۷۶}، باله دافنیس و کلونه^{۷۷}، آثاری ارکستری از جمله راپسودی اسپانول، والس، دو کنسرتو پیانو (یکی فقط برای دست چپ)، موسیقی پیانو و مجلسی و سرانجام به آواها اشاره نمود.

فایا (Falla)، (اسپانیایی، ۱۸۷۶-۱۹۴۶)

فایا مدتی در پاریس زندگی کرد. سپس در طول جنگ‌های داخلی اسپانیا، به آمریکای جنوبی رفت. او بزرگ‌ترین آهنگساز اسپانیایی در دوره خود بود. بیشتر موسیقی فایا تحت تأثیر آوازهای فولکلور اسپانیایی است. فایا اپرای زندگی کوتاه است^{۷۸}، باله جادوگر را دوست بدار^{۷۹}، کلاه سه گوش^{۸۰}، شب‌هایی در باغ‌های اسپانیا^{۸۱} برای پیانو و ارکستر و کنسرتو هارپسیکورد را نوشت.

بارتوک (Bartók)، (مجاری، ۱۸۸۱-۱۹۴۵)

بارتوک با کدای در مطالعه روی موسیقی فولکلور مجاری تشریح مساعی داشت. سبک موسیقی بارتوک بسیار بکر است. موسیقی او اغلب نامطبوع (dissonant) و آنتال (Atonal) می باشد. از آثار او می توان به اپرای کاخ ریش آبی^{۸۲}، ساز ضربی و چلستا، کانتاتا پروفانا و موسیقی پیانو که یک مجموعه ۱۵۳ قطعه‌ای کوچک است و میکروکوسموس یا دنیای ذرات^{۸۳} نامیده می شود نام برد.

کدای (Kodaly)، (مجاری، ۱۸۸۲-۱۹۶۷)

کدای در دانشگاه و کنسرواتوار بوداپست تدریس می کرد. موسیقی او که از ملودی‌های فولکلوریک مجاری تأثیر گرفته است شامل اپرای هاری یانوش (Hary Janes)، کرال آوازهای مذهبی مجاری (psalmus Hungaricus)، کنسرتو برای ارکستر، ویولن و کوارتت سازهای زهی و موسیقی مجلسی می باشد.

استراوینسکی (Stravinsky)، (روسی، ۱۸۸۲-۱۹۷۱)

استراوینسکی شاگرد ریمسکی کرساکف بود. او با دیاگیلف (Diaghilev) که باله‌های پرنده آتشین پتروشکا (Petrushka)، پرستش بهار^{۸۴} (اولین اجرای این باله در پاریس، با ارکستر بسیار بزرگ و ریتم‌های پیچیده باعث غوغا شده بود) را برای کمپانی او نوشته بود ملاقات کرد. بعدها آثاری برای ترکیبات کوچک‌تر نوشت. از جمله آنها سمفونی‌هایی برای ۲۳ ساز

بادی، داستان سرباز^{۱۸۵} و کنسرتو آبنوس^{۱۸۶} برای گروه حرکات موزون می‌باشد. آثار دیگر او شامل اپرای پادشاه ادیپوس^{۱۸۷} (Oedipus Rex)، سمفونی کرال مزامیر (Psalms)، رکس پروگرس^{۱۸۸} می‌باشد.

وبرن (Webern)، (اتریشی، ۱۹۴۵-۱۸۸۳)

وبرن کار خود را به عنوان رهبر گروه آغاز کرد. اما بعدها به تدریس موسیقی و آهنگسازی روی آورد. او در موسیقی از تکنیک دوازده نت شونبرگ به روش بسیار شخصی استفاده می‌نمود. در بعضی از آهنگسازی‌های او شجاعت چشمگیری وجود دارد و از ترکیبات غیرمعمول ساز استفاده شده است. برای مثال در پنج قطعه برای ارکستر ۷۶ میزان در هر کدام وجود دارد که موومان چهارم ۱۹ ثانیه طول می‌کشد. آثار وبرن شامل دو سمفونی، واریاسیون‌هایی برای ارکستر، شش قطعه موسیقی کوتاه یا باگاتل برای کوارتت سازهای زهی و چند موسیقی کرال و آواز می‌باشد.

برگ (Berg)، (اتریشی، ۱۹۳۵-۱۸۸۵)

برگ تحت تأثیر معلم خود شونبرگ، سیستم دوازده نت آتنال خود را توسعه داد. آثار اصلی او شامل اپرای وتسک (Wezzeck) و لولو (Lulu)، یک کنسرتو ویولن و موسیقی مجلسی و ارکستری می‌باشد.

وارز (Varese)، (فرانسوی، ۱۹۶۵-۱۸۸۵)

وارز ابتدا به تحصیل ریاضیات و تاریخ طبیعی مشغول بود. اما علیرغم نارضایتی پدرش به موسیقی روی آورد. او در کنسرواتوار پاریس به تحصیل موسیقی پرداخت و قبل از اینکه به ارتش برود، رهبر ارکستر فیلامونیک پراگو شده بود. با مشکلاتی که در سال ۱۹۱۶ برای سلامتی‌اش پیش آمد، به آمریکا رفت و در آنجا باعث پیشرفت موسیقی مدرن آمریکایی شد. وارز با انتباه‌های (extreme) دیسونانس و صدای سازهای مختلف تجربیاتی انجام داد. از آثار او می‌توان به غلظت^{۱۸۹} برای فلوت سولو، بیابان‌ها^{۱۹۰} برای ۱۴ ساز بادی، پیانو، پنج ساز ضربی و نوار کاست و یونیزاسیون^{۱۹۱} اشاره نمود.

پروکوفیف (Prokofiev)، (روسی، ۱۹۵۳-۱۸۹۱)

پروکوفیف با ریتمسکی کرساکف به تحصیل موسیقی پرداخت. او زیاد سفر می‌کرد. اما سرانجام به روسیه بازگشت. طبیعت قابض و مغایر موسیقی او، بعد از انتقادهای بسیار مسئولین روسی، از لحاظ سبک بسیار مردمی‌تر شد. آثار او اپراهای جنگ و صلح^{۱۹۲}، عشق سه نارنج^{۱۹۳}، باله رومئو و ژولیت، سمفونی‌ها، کنسرتو برای پیانو، ویولن، ویولن سل، موسیقی مجلسی و پیانو و پیترو و گرگ^{۱۹۴} برای کلام و ارکستر می‌باشد.

هیندمیت (Hindemith)، (آلمانی، ۱۹۶۳-۱۸۹۵)

ابتدا نوازنده ویولن و ویولا بود. او برای چند رسانه موسیقایی آهنگ ساخت و سیستم جدید تنالیته‌ای اختراع کرد که آن را صنعت کمپوزیسیون (Craft of Composition) نام نهاد. آثار او شامل اپرای ماتیس نقاش^{۱۹۵}، باله چشم‌انداز نوبلیسم^{۱۹۶}، چند کنسرتو، موسیقی مجلسی و کرال و آوازاها می‌باشد.

گرشوین (Gershwin)، (آمریکایی، ۱۹۳۷-۱۸۹۷)

گرشوین مانند موسیقی دان‌های کلاسیک عمل می‌کرد اما پس از چندی، برای تئاتر و فیلم آوازهای عامیانه و موسیقی می‌نوشت. آوازهای او که با همراهی برادرش ایرا به عنوان غزلسرا به موفقیت رسید شامل ریتم دلربا^{۱۹۷}، من ریتم را به دست آورد^{۱۹۸}، کار خوبی است اگر بتوانی آن را به دست آوری^{۱۹۹} می‌باشد. گرشوین در سال ۱۹۲۴ با تشویق پاول ویزمن، رهبر گروه، اولین کنسرتو جاز خود را که راپسودی آبی^{۲۰۰} نام دارد، نوشت. به دنبال آن کنسرتو فا و یک جفت آمریکایی را ساخت. او در سال ۱۹۳۵ شاهکار خود، اپرای فولکلور پورگی و بس (Porgy and Bess) را کامل کرد.

پولانک (Poulance)، (فرانسوی، ۱۹۶۳-۱۸۹۹)

پولانک نوازنده پیانوی برجسته‌ای بود. او در سبک آهنگسازی، وضوح را با هجو و بذله ترکیب می‌نمود. آثار پولانک شامل اپرای کارملیت‌ها^{۲۰۱}، باله گوزن‌ها^{۲۰۲}، کنسرتو برای یک یادو پیانو و ارگ، سازهای زهی و تیمپانی و گلوپریا^{۲۰۳} عامیانه کرال می‌باشد.

کوپلند (Copland)، (آمریکایی، ۱۹۹۰-۱۹۰۰)

کوپلند نوازنده پیانو، رهبر ارکستر، نویسنده و قهرمان قدرتمند موسیقی آمریکایی بود. آهنگسازی‌های او که در آن از عناصر موسیقی جاز و موسیقی آمریکای لاتین استفاده نمود، شامل سه سمفونی اکسپوزیسیون ارکستر، کنسرتو برای پیانو و کلارینت، باله، بیلی کوچولو^{۲۰۴}، بهار آپالاچی^{۲۰۵} و اپرای سرزمین محبت آمیز^{۲۰۶} می‌باشد.

والتون (Walton)، (انگلیسی، ۱۹۰۲-۸۳)

والتون خود موسیقی را فراگرفت. اولین اثر او به نام فاساد (Facade) برای خواننده و شش ساز مورد علاقه مردم قرار گرفت. آثار موسیقی او شامل دو سمفونی، کنسرتو برای ویولن، ویولا، ویولن سل، اورتور دماغه پورت اسموت^{۲۰۷}، اراتوریوی ضیافت بلشازار^{۲۰۸}، اپرای ترویلوس و کرسیدا^{۲۰۹} و مارش تاجگذاری امپراطور^{۲۱۰} می‌باشد.

تپیت (Tippett)، (انگلیسی، متولد ۱۹۰۵)

تپیت در کالج سلطنتی موسیقی لندن تحصیل نمود. سبک موسیقی او غالباً پیچیده است و تاحدی تحت تأثیر تکنیک کنترپنتال و ریتم‌های متقاطع^{۲۱۱} موسیقی انگلیسی قرن شانزدهم می‌باشد. آثار او شامل چهار سمفونی، یک کنسرتو پیانو، کنسرتو برای ارکستر، اپرای ازدواج در نیمه تابستان^{۲۱۲}، پریم سلطان^{۲۱۳}، نات گاردن^{۲۱۴} و اراتوریوی فرزند زمان ما^{۲۱۵} می‌باشد.

شوستاکویچ (Shostakovich)، (روسی، ۱۹۰۶-۷۵)

شوستاکویچ اولین سمفونی موفق خود را در سن ۱۹ سالگی ساخت. او پانزده سمفونی، چندموسیقی ویولن، ویولن سل،



تاریخ موسیقی

کنسرتو پیانو، اپرا، باله، موسیقی فیلم و موسیقی مجلسی نوشت. همیشه اولیای امور روسیه از موسیقی او انتقاد می‌کردند. اگر چه او اشتباهات خود را قبول می‌کرد و به دنبال سبکی نزدیک تر به هنر فولکلور بود. اما با این حال مهم‌ترین آهنگساز روسی دوره خویش به شمار می‌آید.

مسیان (Messiaen)، (فرانسوی، متولد ۱۹۰۸)

مسیان نوازنده ارگ و یکی از بدیع‌ترین آهنگسازان مدرن می‌باشد. در موسیقی او آواز پرندگان، پلان‌شان، موسیقی هندی و غیره استفاده شده است. از آنجا که مسیان یک کاتولیک طول‌العمر (lifelong) است، موسیقی او حاکی از جذبه مذهبی و متصوفانه می‌باشد. در سال ۱۹۴۰ که نازی‌ها او را در یک کمپ دستگیر کرده و زندانی کردند، کوارتتی به نام آخر زمان^{۲۱۶} را نوشت. موسیقی آواز پرنده او شامل پرندگان سرزمین‌های دوردست^{۲۱۷} برای پیانوسازهای بادی و کاتالوگ پرندگان^{۲۱۸} برای پیانو می‌باشد. آثار دیگر او سمفونی تورانگلیا^{۲۱۹} گام بزرگ در ده موومان و تجلی سرورمان عیسی مسیح^{۲۲۰} برای هفت ساز سولو، کر و ارکستر در چهارده موومان می‌باشد. موسیقی ارگ او تولد لرد (عیسی مسیح)^{۲۲۱} است. این اثر در برگیرنده حالات نه گانه جذبه می‌باشد.

کیچ (Cage)، (آمریکایی، ۱۹۱۲)

کیچ به همراه شوئنبرگ و وارز تحصیل می‌نمود. او فرزند یک مخترع است. همچنین نوازنده پیانو و نویسنده می‌باشد. کیچ پیانویی را اختراع کرد که در آن با قراردادن چیزهایی روی سیم‌ها و یا بین سیم‌ها، اصوات تغییر پیدا می‌کنند. او برای این پیانو سونات و اینترلود نوشت. کیچ موسیقی قماری^{۲۲۲} را به وجود آورد. در این موسیقی شناس یا انتخاب تصادفی نقش دارد. برای مثال واریاسیون‌های چهار برای هر یک از افرادی است که هر یک از کارها (actions) را اجرا می‌کنند. قطعه چهار دقیقه و سی و سه ثانیه او یک سکوت کامل می‌باشد.

بریتن (Britten)، (انگلیسی ۱۹۱۳-۷۶)

بریتن آهنگسازی را از پنج سالگی آغاز نمود و بعدها پیانیست و رهبر ارکستر با استعدادی شد. آثار لندن در سدلرز ولس در سال ۱۹۴۵ با اپرای پیتر گرایمز (Peter Grimes) موقعیت او را کاملاً تثبیت ساخت. او با پیتر پیرز (Peter Pears) (متولد ۱۹۱۰)، خواننده تنور (۸۶-۱۹۱۰) در سال ۱۹۴۸ اولین فستیوال Al de burgh را تأسیس کرد. اپراهای موفق او تجاوز لوکرسیا^{۲۲۳}، آلبرت هرینگ^{۲۲۴}، بیلی باد^{۲۲۵} و چرخش پیچ^{۲۲۶} می‌باشد. موسیقی بریتن مثل موسیقی تیت، دلسوزی عمیقی را نسبت به انسانیت متجلی می‌سازد. توانایی او در آثار آوازی که از پرسل (Purcell) تأثیر گرفته است بیشتر مشخص می‌شود. یکی از مهمترین آثار کرال او رکویم جنگ (Requim War) می‌باشد. این اثر در سال ۱۹۶۲ برای تقدیس کلیسای کاونتری (Coventry Cathedral) نوشته شده است. موسیقی کرال بریتن عبارتند از سینفونیا رکویم^{۲۲۷} و هدایت یک جوان به ارکستر^{۲۲۸}. او همچنین موسیقی مجلسی، آوازهای سرنا برای آواز تنور، هورن و سازهای زهی و چند ارنژمان آوازهای فولکلوریک نوشته است. بریتن در سال‌های آخر زندگی دچار بیماری شدید قلبی شد. او شش ماه قبل از مرگ، لرد و اشرافی (Life Peer) شد.

برن استین (Bern Stein)، (آمریکایی، ۱۹۱۸-۹۰)

این آهنگساز توانایی‌های موسیقایی فوق‌العاده‌ای داشت. او به مدت یازده سال رهبر ارکستر فیلارمونیک نیویورک بود. این هنرمند آثار زیادی داشته است. با موسیقی کلاسیک و عامیانه آشنایی داشت. برن استین سه سمفونی، چند موسیقی مجلسی و کرال و چندین موزیکال از جمله داستان وست ساید (Westside Story) بسیار موفق نوشت.

لیگتی (Ligeti)، (مجاری، متولد ۱۹۲۳)

لیگتی مجارستان را ترک نمود تا در اتریش و آلمان زندگی نماید. او آهنگساز مهمی می باشد و در آثار شاخص او از شیوه های پیشرفته مانند رها نمودن فواصل مشخص و ریتم ها، به خاطر رنگ صدا (colour) درجه یا حجم صدا (volume) و خود صدا استفاده نمود. او همچنین به طور الکترونیکی صداها را تولید می نمود. موسیقی او شامل اتمسفرها^{۳۳}، لونتانو (دور دست)^{۳۴} برای ارکستر، شکوه جاودان^{۳۵} برای کر شانزده بخشی، یک آرتیکولا سیون برای نوار ضبط شده چهار شیاری (Four track) می باشد.

بولز (Boulez)، (فرانسوی، متولد ۱۹۲۵)

بولز رهبری برجسته و نوازنده پیانو بود. او ابتدا به تحصیل ریاضیات پرداخت و سپس همراه بامسیان و دیگران به آهنگسازی روی آورد. این آهنگساز در سال ۱۹۵۳ به تأسیس حوزه موسیقایی (Domaine Musical) در پاریس کمک نمود تا باعث پیشرفت اجرای موسیقی جدید شود. او رهبر گروه ارکستر سمفونیک فیلارمونیک بی بی سی و نیویورک بود. بولز به عنوان یک آهنگساز، یکی از معارض ترین شخصیت ها در موسیقی معاصر است. سبک او تحت تأثیر تکنیک های ویرن، شوئنبرگ،



مسیان و دبوسی می باشد. او تکنیک دوازده نتی که برداشت جدیدی از ریتم، سطح دینامیک، آلتراسیون و غیره است را گسترش داد. از آثار بولز پولی فونی X برای هجده ساز، چین در چین^{۳۳} برای صدای سوپرانو و ارکستر پتک بی استاد^{۳۴} برای آواز و ارکستر مجلسی، کمینز شاعر برای شانزده آواز سولو و سازها و نیز چند موسیقی پیانو می باشد.

بریو (Berio)، (متولد ۱۹۲۵)

بریو نیز یک رهبر گروه می باشد. اگر چه او از تکنیک های پیشرفته مانند تکنیک نامعینی^{۳۳} (انتخاب آزاد برای اجرا) به کار می برد، اما موسیقی او رنگارنگ و دراماتیک است و توجه زیادی را به خود جلب کرده است. بریو در اثر دایره ها (circles) برای سوپرانو، هارپ و دو ساز ضربی، تأثیرات فضایی (spatial) را ایجاد می کند. در این اثر اصوات نت نویسی شده به سر و صدا (noise) و برعکس تغییر می یابند. آثار دیگر او هللویا (Allelujah) است. این اثر یک سری قطعات برای چندساز می باشد. موسیقی الکترونیکی او اختلاف ها نام دارد که برای فلوت، کلارینت، ویولا، ویولن سل، هارپ و نوار (tape) است.

هنز (Henze)، (آلمانی، متولد ۱۹۲۶)

هنز در سنین کودکی آهنگسازی را آغاز کرد و به زودی به عنوان آهنگساز با استعدادی که آهنگ های زیادی ساخته است و در ارائه سبک های موسیقایی تنوع دارد شناخته شد. او در طول جنگ جهانی دوم توسط ارتش آلمان به عنوان سرباز وظیفه درآمد و بعد از جنگ با اثر

تاریخ موسیقی



اشتوکهاوزن

بلوارانزوا^{۳۳} در سال ۱۹۵۲ و سپس در سال ۱۹۶۵ با اثر باساریده‌ها^{۳۴} به یک آهنگساز مشهور اپرایی شناخته شد. هنز به ایتالیا سفر و در آنجا چندین اثر مجلسی، کنسرتو و سمفونی را ساخت. موسیقی آوازی و اپرایی او تحت تأثیر انقلابات اجتماعی و سیاست‌های کوبایی است. **اشتوکهاوزن (Stockhausen)**، (آلمانی، متولد ۱۹۲۸)

اشتوکهاوزن همراه با مسیان به تحصیل موسیقی پرداخت و به عنوان سرآمد موسیقی الکترونیکی درآمد. سپس موسیقی نامعینی، تأثیرات فضایی، تمپوهای متغیر را مثلاً در تمپوی مس زمان (Zeit masse) برای پنج نوازنده سازهای بادی، گروه‌ها (Gruppen) برای سه ارکستر و مربع (Carre) برای چهار ارکستر و چهار کر را خلق نمود.

پندرسکی (Penderecki)، (لهستانی، متولد ۱۹۳۳)

پندرسکی آهنگسازی است که فواید تکنیک‌های پیشرفته را به دست آورد. اما فهم موسیقی او دشوار نیست. پاسیون سنت لوک^{۳۷}، مرثیه‌ای برای قربانی‌های هیروشیما^{۳۸}، محبوبیت زیادی به دست آورد. او یک سمفونی، چند کنسرتو برای ویولن و ویولن سل، اپراهای ابلیس‌های لودن^{۳۹} و بهشت گمشده^{۴۰} را نوشت. **برت ویسل (Birt Wistle)**، (انگلیسی، متولد ۱۹۳۴)

برت ویسل ابتدا کلارینت می‌نواخت و سپس بورس کالج سلطنتی موسیقی منچستر را به دست آورد. در آنجا همراه با مکس ول دیویس و چند موسیقی‌دان جوان دیگر، گروه جدید منچستر را برای اجرای موسیقی مکتب جدید

وینی به وجود آورد. هر چند در ابتدا موسیقی او تحت تأثیر استراوینسکی، وارز و تا حدی شیوه‌های دوره قرون وسطایی قرار داشت، اما موسیقی او اغلب کیفیت ساینده (Abrasive)، بکر و اصلی دارد. آثار او شامل اپراهای پانچ (بابوی پاکوتاه) و جودی^{۴۱}، گاواین^{۴۲}، تراژدی برای

فصلنامه هنر - شماره شصت و شش



گروه نوازی مجلسی، جشن پیروزی زمان^{۳۳} برای ارکستر و مدوسا^{۳۴} [زنی که موهای سرش مار بود] برای گروه نوازی سازی و نوار (tape) می باشد.

مکس ول دیویس (Max Well Davis)، (انگلیسی، متولد ۱۹۳۴)

مکس ول دیویس موفق به دریافت بورسیه برای تحصیل با آهنگساز ایتالیایی به نام گوفردو پتراسی (Goffredo Petrassi)، (متولد ۱۹۰۴) شد. او بعد از بازگشت به انگلستان در مدرسه Cirencester Grammar تدریس کرد و سکوانس سرودی (carol) با عنوان *Mysterium O Magnum* را برای گروه کر مدرسه نوشت. سپس به آمریکا رفت تا با راجر سشن (Roger Sessions)، (متولد ۱۸۹۶) که آهنگساز بود کار کند. او به همراهی برت ویسل، نوازندگان دلکک (pierrot Players) را تأسیس کرد (بعدها این گروه به آتش های لندن تغییر نام پیدا کرد). مکس ول بیشتر آثارش را برای این گروه نوشت. موسیقی او تحت تأثیر شیوه های دوره قرون وسطایی است. در آثارش از محتوای مدرن استفاده می نمود که در آن تم های اصلی مورد تقلید قرار گرفته و تحریف می شد. آثار او، اپراهای تاورنر و شهادت مجوس های قدیس^{۳۵}، هشت ترانه برای پادشاه دیوانه^{۳۶} برای آواز و ارکستر مجلسی و چند موسیقی سازی و کرال می باشد.

پی نوشت ها:

1. Mesopotamia,
2. Old Testament
3. Christianity
4. Plain song
5. Gregorian Chant
6. Monks

۷. PolyPhony: پولی فونی معنای مشابهی با کنترپوان دارد که با هموفونی (تک صدایی) فرق دارد. پولی فونی در برگزیده ملودی با همراهی کرال است. باخ (۱۶۸۵-۱۷۵۰) استاد بزرگ پولی فونی است. بخش های کنترپانتال او نه تنها استقلال ریتمی و ملودیک دارند، بلکه هارمونی آن بسیار باشکوه است.

8. Organum

9. Perfect fourth

۱۰. Conductus: آواز لاتین دوره قرون وسطی، این اصطلاح به انواع مختلفی از موسیقی در دوره قرون وسطی اطلاق می شود. این واژه در دست نوشته ها به گونه های مختلف تعبیر شده است. به نظر می رسد این اصطلاح در قرن دوازده و سیزده در فرانسه شمالی بسیار مورد توجه بوده است. اولین قطعاتی که کانداکتوس نامیده می شد، آوازهای لاتینی بر روی موضوعات آیینی (از جمله کریسمس) با چند بند در شعری قافیه دار و با آکسان قوی و منظم می باشد. ملودی های آن ساده هستند. (م.)

۱۱. در قرن سیزده در پاریس کانداکتوس احتمالاً با عمومیت یافتن موت کمتر مورد استفاده قرار گرفت. (م.)

12. Ordinary

13. Sacred Music
14. Mass
15. Secular Music
16. Madrigal
17. Palestrina
18. Andrea Gabrieli
19. Giovanni Gabrieli
20. Lassus
21. Sweelinck
22. Tudor
23. Tallis
24. Byrd
25. Tomkins
26. Gibbons
27. Morley
28. Bull
29. Wilbye
30. Weekles
31. Farnaby
32. Orpheus
33. The Coronation of Poppea
34. Cavalli
35. Alessandro Scarlatti

۳۶. اسکالانی از آکورد سکست ناپولیتن (Neopolitan Sixth Chord) با بمل کردن روتونیک در معکوس اول بسیار استفاده نمود. این آکورد به خاطر تأثیر غم انگیزش، بسیار کاربرد داشته است.



اورتور اپرای فرانسوی، در قرن هفدهم، مقدمه‌ای آرام با ریتم نقطه‌دار بود که با بخش سریعی به سبک ایمیتاتیو دنبال می‌شد. اورتور اپرای ایتالیایی سه موومان سریع، آهسته و سریع دارد. ۳۷. باله که اصالت آن مربوط به ایتالیا است، در قرن شانزدهم در قصرهای فرانسه پیشرفت نمود. باله یک سرگرمی دراماتیک است. ابتدا باله همواره با اپرا بود ولی بعداً فرم مستقلی به شمار آمد. ۳۸. در دوره باروک کنسرتو گروسو در کنار سویت یکی از مهم‌ترین قطعات برای ارکستر به شمار می‌آمد. فرم کنسرتو گروسو از مقابل هم قرار گرفتن (Tutti) تمام ارکستر و (Soli) ساز تنها تشکیل شده است. (م).

39. Dio and Aeneas
40. St. Cecilia's Day

۴۱. اغلب به این دوره، باروک می‌گویند. این اصطلاح از سبک پرخرج معماری قرن هفدهم و اوائل قرن هجدهم گرفته شده است. اغلب به موسیقی مونته‌وردی، گابریلی و... باروک اولیه و به موسیقی باخ، هندل و... باروک متأخر گفته می‌شود. موسیقی قبل از دوره باروک را موسیقی رنسانس می‌گویند. و موسیقی اواخر قرن هجدهم را روکوکو (Rococo) یا پست باروک (باروک جدید) می‌نامند. ۴۲. Toccata: فرمی است برای سازهای شستی دار که ریشه آن به آخر قرن شانزدهم می‌رسد. به نظر

می‌رسد توکاتا مانند پرلود طرز شروع یا آغازش در ارگ هنگام مراسم آیینی و مذهبی بوده، توکاتا استیلی آزاد و نزدیک به فانتزی دارد. ناصری، فریدون، فرهنگ اصطلاحات موسیقی.

43. Ensemble

44. Castrati

45. Wittily Satirical Libretto

46. Serious Music

47. Viennese School

۴۸. Art Song: نغمه مصنوعی، آهنگ‌های شبه عامیانه‌ای که مصنف مشخص و تحصیل کرده‌ای آن را با استفاده از فراگرفته‌های خویش ترکیب می‌کند. (منصوری، پرویز، چگونه از موسیقی لذت ببریم).

49. Lied

50. Seasons

51. Creation

۵۲. Requiem: سرود عزا، قطعات مس که در کلیسای رومن کاتولیک به یادبود مردگان اجرا می‌کنند.

53. Appassionata

54. Moonlight

55. Eroica

56. Pastoral

57. Emperor

58. Fidelio

59. Christ on the Mount of Olives

60. Robert Le Diable

61. Les Huguenots

62. L'Africaine

63. Chorister

64. The Erlking

65. Hark, Hark, The Lark

۶۶. Song Period: دوره آواز که در یکی دو قرن اخیر در اروپا معمول شده است و بسیاری از مصنفان بزرگ که شوهرت مقدم بر همه آنهاست، تصنیفات آوازی خود را به آن شیوه ساخته‌اند عبارتست از یک سلسله آوازهای کوتاه که پشت سرهم قرار می‌گیرند و بین آنها ارتباطی موجود می‌باشد. (فروغ، مهدی، شعر و موسیقی).

67. The Maid of the Mill

68. Winter Journey

69. Death and the Maiden

70. L'Enfance du Christ

71. A Life for the Czar

72. Russlan and Ludmilla

۷۳. Octet: قطعه موسیقی که به هشت بخش یا صدا تقسیم شده باشد. (م).

74. Mis summer Night's Dream

۷۵. Nocturn: موسیقی شبانه. قطعه‌ای برای پیانو کاملاً به شیوه‌ای رمانتیک در بیان حالت مالیخولیایی شبانه. اولین قطعه نکتورن را جان فیلد (John Field, ۱۷۸۲-۱۸۳۷) نوشت. او در قرن نوزدهم از این نام الهام گرفت و قطعاتی تحت همین عنوان ترکیب کرد. (منصوری، پرویز، چگونه از موسیقی لذت ببریم).

۷۶. Polonaise: حرکات موزون ملی لهستان با خصوصیات آرام و تشریفاتی. ریتم موسیقی آن همواره سه‌ضربی است و جمله‌ها معمولاً بدون ضرب ضعیف آغاز و با خاتمه‌ای مؤنث است. میزان‌های حرکات

غالباً دارای موتیف ریتمیک مشابه هستند. (همان).

۷۷- schrezo: شوخی، بذله‌گویی قطعه‌ای بود سازی که در پایان قرن هیجدهم ظهور کرد. درسونات و سمفونی جای منوئه را گرفت. چرا که مستقیماً فرم و میزان‌های سه ضربی ۳/۴ را از منوئه به عاریت گرفته بود و در عین حال که از جهت اکسان‌گذاری و تمپو (Tempo) با سرعت حرکت از منوئه جدا شده بود. اسکرتزو مثل منوئه دارای فرم A-B-A است. با خط برگشت برای قسمت دوم A و B. این طرح در سمفونی‌های بتهوون به طریق قابل توجهی وسعت و گسترش پیدا کرد و از نظر ساختمانی، تیپ جدید و مستقلی را ارائه داد. (ناصری، فریدون، فرهنگ اصطلاحات موسیقی).

78. Scenes from childhood

79. Wood Land Scenes

80. Album for the Young

81. Album blatter

82. Concert Studies

83. Twelve Transcental Studies

۸۴. موسیقی برنامه‌ای به موسیقی‌ای اطلاق می‌شود که فرم آن با یک داستان یا یک تصویر در ارتباط است. لذا متضاد موسیقی مطلق که موسیقی ساده‌ای است و با داستان یا روایتی در ارتباط نیست. چندین آهنگساز ناسیونالیست از پوئم سمفونیک استفاده کردند از جمله سماتانا (Smetana) در اثر میهن (M. Vlast)، بورودین (Borodin) در اثر در استپ‌های آسیای مرکزی (In the Stepps of Central Asia)، سیلیوس در فنلاندیا (Finlandia) موسیقی برنامه‌ای شامل سمفونی‌های برنامه‌ای است. از جمله پاستورال (Pastoral) اثر بتهوون و سمفونی فانتاستیک اثر برلیوز.

85. Leitmotiv.

86. Rienzi

87. The Flying Dutchman

88. Tannhauser

89. Lohengrin

90. The ring

91. The Phinegold

92. The Valkgrie

93. Sieg fried

94. The Twilight of the Gods

95. Tristan and Isolde

96. The Master Singers of Nuremberg

97. Parsifal

98. Rigoltto

99. La Traviata an Il Trovatore

100. The Tales of Haffman

101. Le Belle Helene

102. Orpheus in the Underworld

103. Les Beatitudes

104. Cathedral

105. The Blue Danube

۱۰۶. Polka: حرکت موزونی که در قرن نوزدهم در بوهم متداول بود. [حرکات سه ضربی آهسته که روی ضربه آخر تأکید بیشتری صورت می‌گیرد] از ریشه چک یا لهستانی است و در واقع آریایی است. (دوکانده، رولان، فرهنگ بزرگ موسیقی، ترجمه شهره شعشعانی، انتشارات راه مانا، تهران، ۱۳۸۱).

۱۰۷. Galop: حرکات موزون بسیار شاد و زنده متعلق به قرن نوزدهم با ضرب ۲۴ و تند. (همان)

- 108. Die Fledermaus
- 109. The Gypsy Baron
- 110. In the Steppes of Central Asia

۱۱۱. Incidental Music: موسیقی که به مناسبت یک رخداد یا واقعه‌ای به اختیار نوازنده اجرا می‌شود. ساز و آوازی که با نمایش همراه باشد. (م.)

- 112. Boris Godunov
- 113. Pictures at an Exhibition
- 114. Nigth on the bare Mountain
- 115. Eugene Onegin
- 116. The Queen of Spades
- 117. Swan Lake
- 118. Sleeping Beauty
- 119. Nutcracker
- 120. Stabat Mater
- 121. Spectre's Bride
- 122. The Pirates of Penzance
- 123. The Mikado
- 124. The Yeomen of the Guard
- 125. Io Lanthe
- 126. Golden Cockeral
- 127. Scheherazade
- 128. Second Viennese School

۱۲۹. Dodecaphonic: دوده کافونیک دوازده صدایی (Twelve-note Music) موسیقی که در آن همه ۱۲ نت گام کروماتیک اهمیت یکسانی دارند. این موسیقی در هیچ مایه یا مدی نمی‌باشد و می‌توان به آن موسیقی آتنال (Atonal، ضد تونال) نامید. این اصطلاح برای همه موسیقی‌های سریالی یا برای موسیقی سریالی که به جای تبعیت از اصول بولز (Boulez) یا بابیت (Babbitt)، از اصول شوئنبرگ پیروی می‌کنند به کار می‌رود. در قرن هجدهم، گاهی از این نوع موسیقی استفاده می‌شد. از جمله در Musical offering باخ. لیست نیز در بخش آغازین سمفونی فاوست، نمونه‌جالبی از تمی که از ۱۲ نت استفاده می‌کند را به کار برد. اگر چه این آثار را نمی‌توان به عنوان موسیقی دوازده نتی به شمار آورد. چرا که در هر دو محتوای اثر تنالی است. تعداد بسیار کمی از قطعات پیانو لیست، حاکی از ورود به آتنالیته می‌باشد. شاید اولین کمپوزیسیون دوازده نتی، پانزده آواز شوئنبرگ به نام 1908 (Das Buch der hangenden Grten) باشد. شوئنبرگ، برگ و وبرن از سال ۱۹۰۸ به بعد، موسیقی دوازده نتی را ادامه دادند. اگر چه شوئنبرگ گاهی به آهنگسازی دیاتونیک برمی‌گشت. بعد از پیشرفت سریالیسم (Serialism) در اوائل دهه ۱۹۲۰، این سه آهنگساز بر این نوع متد آهنگسازی تمرکز کردند (The New Oxford Companion to Music) (م.).

- 130. Serial Music.
- 131. Retrograde یا Inverted
- 132. Half sung یا Half-Spoken
- 133. Sprechge sang (Speech-Song)
- 134. Contrasted Textures

۱۳۵. وسعت صدای این ساز هفت هنگام است. (م.).

- 136. Tone-Colour
- 137. Microtone

138. Pre-recorded Sounds
139. Live Performance
140. Synthesizer
141. Modify
142. Samson and Dalila
143. Danse Macabre
144. Pavane
145. Engima
146. The Dream of Gerontius
147. Tosca
148. La Boheme
149. Madame Butterfly
150. Turandot
151. The Song of the Earth
152. Kindertotenlieder
153. Pelleas Et Mlisande
154. La Mer
155. Prelude a Lapres-Midi d'um Faune
156. Children's Corner
157. Bergamasque
158. Wounding beauty
159. A Village Romeo and Juliet
160. Mass of Life
161. Summer Night on the River
162. Brig Fair
163. On Hearing the First Cuckooo in Spring
164. Der Rosenkavalier
165. Death and Transfiguration
166. Till Eulen Spiegel
167. The Swan of Tuonela
168. Finalandia

۱۶۹. Rcm: سر واژه Royal Collage of Music (کالج سلطنتی موسیقی) است.

170. Sir John in Love
171. Huga The Drover
172. The Perfect Fool
173. The Planets
174. Hymn of Jesus
175. L' Heure Espagnole
176. L'Enfant ed Les Sortileges
177. Daphne et Chole
178. Life is Short
179. Love the Magician
180. The Three-Cornerd Hat

فصلنامه هنر - شماره شصت و شش

181. Nights in the Gardens of Spain
182. Blue beard's Castle
۱۸۳. Mikrososmos: این قطعات که به تدریج پیشرفته تر می شوند بین سال های ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۰ ساخته شد. این ۱۵۳ قطعه در ۶ جلد به چاپ رسیده است. (م).
184. The Rite of Spring
185. The Soldier's Tale
186. Ebony Concerto
187. Oedipus Rex
188. Rake's Progress
189. Density 21.5
190. Deserts
191. Ionisation
192. War and Peace
193. The Love of three Oranges
194. Peter and Wolf
195. Mathis der Mahler
196. Nobilissima Visione
197. Fascinating Rhythm
198. I Got Rhythm
199. Nice Work if you can Get it
200. Rhapsody in Blue
201. The Carmelites
202. Les Biches
203. Gloria
204. Billy the kid
205. Appalachian Spring
206. The Tender Land
207. Portsmouth Point
208. Belshazzar's Feast
209. Troilus and Cressida
۲۱۰. Crown Imperial
۲۱۱. Cross Rhythm: استفاده همزمان از الگوهای مغایر ریتمی. برای مثال دو نت در برابر سه نت (تریوله) یا آکسان های مغایر برای مثال میزان ۳/۴ در برابر ۶/۸ (فرهنگ موسیقی هاروارد). (م).
212. A Mid Summer Marriage
213. King Priam
214. The Knot Garden
215. A Child of our Time
216. End of Time
217. Oiseaux Exotiques
218. Catalogue d'Oiseaux
219. Turangalia
220. Transfiguration de Notre Seigneur Jesus Christ
221. La Nativite du Seigneur
222. Aleatory Music

223. Te Rape of Lucretia
224. Albert Herring
225. Billy Budd
226. The Turn of the Screw
227. Sinfonia da Requim
228. Young Person's Guide of the Orchestra
229. Atmospheres
230. Luntano
231. Lux Aeterna
232. Pli Selon Pli
233. Le Marteau sans Maitre
234. Cummings ist der Dichter
235. Boulevard Solitude
236. The Bassarids
237. St luke Passion
238. Threnody for the Victims of Hiroshima
239. The Devils of Loudon
240. Paradise Lost
241. Punch and Judy
242. Gawain
243. The Triumph of Time
244. Medusa
245. Taverner and The Martyrdom of St Magnus
246. Eight Song for a Mad King

